



Afghans
For Progressive
Thinking (APT)

موسسه اندیشه‌وران افغان برای پیشرفت

جوانان افغان؛ سیری به سوی تحمل اجتماعی

(مجموعه مقالات)

کابل - افغانستان

سال : 1398

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

یادداشت و یراستار

موسسه اندیشه وران افغان به تعداد (۳۰) مقاله تحت عناوین (جوانان افغانستان و سیری به سوی تحمل اجتماعی) را که در پایان مسابقه مقاله نویسی بعد از فلتز شدن میان محصلین (۱۴) پوهنتون دولتی و خصوصی کشور تحریر گردیده و بصورت مقدماتی از طرف موسسه اندیشه وران افغان مطالعه شده بود به من سپرده تا آنرا از نظر محتوا و اصول مقاله نویسی و به کار گیری شیوه های ماخذ نویسی ویرایش نمایم.

با مطالعه ابتدایی به مشاهده رسید که اکثر از نویسندگان ها از تجربه لازم تحریر مقالات ستندرد بر خوردار نیستند.

از اینکه این مسابقه رقابتی برای تشویق جوانان به منظور فرا گیری اصول علمی مقاله نویسی بوده و آغازی است برای اینکه چطور باید یک مقاله علمی نوشت و هم برای اینکه محصلین محترم در مورد ثبت نتایج تحقیق و تحریر مونوگراف و تیزس علمی شان یک تصور کلی داشته باشند بنأ تمام مقالات را دقیقاً مطالعه و اصلاحات لازم در آنها بعمل آمد در ضمن در تمام مقالات کاستی و کمبودی های نشانی گردید تا مقالات به نویسندگان های آن غرض آوردن اصلاحات سپرده شود.

در مرتبه دوم از جمله مقالات قبلی (۱۰) مقاله غرض مطالعه و اصلاح نهایی برایم سپرده شد که در جزوه حاضر در اختیار شما قرار دارد. از این طریق برای تمام جوانان اشتراک کننده در مسابقه و مسابقات بعدی انرژی و حوصله فراخ برای رسیدن به اهداف شریفانه شان که همانا کسب علم و دانش است از خداوند

متعال آرزو دارم. نا گفته نماند که این ابتکار دست اندرکاران محترم اندیشه وران افغان قابل ستایش بوده و عامل و انگیزه یی برای تشویق محصلان محترم به منظور کسب بهتر فعالیت علمی محسوب شده می تواند.

معاون سر محقق - عبدالحکیم ملاخیل

افراط‌گرایی، عوامل و پیامدهای آن

ذکیره یعقوبی

پوهنځی ژورنالیزم

پوهنتون کابل

چکیده

افراط‌گرایی به عنوان پدیده‌ای که رفتارهای خشونت آمیز و گسترش تروریسم را توجیه میکند، ساختارها، هنجارها و ارزش‌های یک جامعه را هدف قرار میدهد. همواره این معضل به عنوان یک نگرانی مورد توجه جهان قرار داشته است. تحقیق حاضر، بر مبنای پرسش اصلی: ایدئولوژی افراط‌گرایانه چه گونه باعث عدم تحمل اجتماعی میشود، و چه راه‌حلهایی باعث بهبود این وضعیت خواهد شد؟ نشان میدهد که ایدئولوژی افراط‌گرایانه موجب تضعیف نهادهای اجتماعی چون: دین، آموزش، سیاست، اقتصاد، فرهنگ و غیره میگردد. محقق در این تحقیق، روی بحث‌های چون: افراط‌گرایی، ایدئولوژی، عدم تحمل اجتماعی، عوامل و راهکارهای آن استدلال کرده است. روش تحقیق، تبیینی بوده، برای جمع‌آوری معلومات از روش‌های کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: افراط‌گرایی، ایدئولوژی، عدم تحمل اجتماعی.

رویدادها و پدیده‌های اجتماعی معمولاً بیشتر از یک علت می‌داشته باشند. در این بین علت‌هایی نیز هستند که اثرگذاری‌شان بیشتر از بقیه اند. یکی از این پدیده‌ها ایدئولوژی افراط‌گرایی است که در گسترش آن عواملی مانند: فقر، بی‌عدالتی و عقده‌های اجتماعی، نبود فرصت‌های برابر اقتصادی، تبعیض و تعصب، تفوق‌طلبی‌های قومی، زبانی و مذهبی نقش دارند و باعث نضج‌گیری اندیشه‌های افراطی می‌شوند و توده‌های ناامید را در آغوش اعمال دنیاستیز می‌کشاند که از آسایش‌عاری از محرومیت در بهشت آن جهانی، سخن می‌گویند و بهای ورود به آنجا را، پیام جنگ در برابر ارزش‌های دموکراتیک و ثروت‌دنیایی می‌خوانند. در صدر تدابیر چاره‌جویانه برای مقابله‌ی هدفمند در برابر افراط‌گرایی، راهکارهای کارآفرینی، اشتغال‌زایی و فراهم‌سازی فرصت‌های زندگی نیاز است بدین‌وسیله از پیوستن کسان بیکار، فقیر، محروم و ناامید به صفوف افراط‌گرایان جلوگیری شود. در مرحله‌ی بعد ذهنیت‌سازی اجتماعی-فرهنگی، گفتمان‌سازی، فعالیت‌های مدنی و روشنگرایانه و از همه مهم‌تر افزایش سطح آگاهی و تفسیر درست دین نیز کمک می‌کند که به لحاظ ذهنی و فکری آسیب‌پذیری افراد در برابر دیدگاه‌های افراط‌گرایانه کاهش یابد و افراط‌گرایان نتوانند به راحتی سربازگیری کنند.

افراط‌گرایی

افراط‌گرایی توصیفی برای تمایلات رفتاری و ایدئولوژی‌های متعدد در سراسر جهان بوده و از مشخصه‌ی آن تغییرات به سمت عدم رواداری و سطوح مختلفی از

تمایل به خشونت است. انستیتوت مطالعات استراتژیک افغانستان در گزارشی، افراط‌گرایی را به‌عنوان تغییرات رفتاری و ایدئولوژیکی فعال در نظر گرفته و گفته این امر مهم در روابط میان افراد و گروه‌ها، در رقابت و تعامل با یکدیگر و محیط اجتماعی و سیاسی‌شان رخ میدهد. افراط‌گرایی در سه سطح: فرد، گروه و توده‌ها اتفاق می‌افتد. مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان همچنان گفته است که «افراط‌گرایی مذهبی عبارت است از انحراف از دیدگاه‌ها و شیوه‌های میانه‌روی مذهبی و چرخش به سوی تفسیر تندروانه‌ی آموزه‌های دینی». تفسیری نادرست از دین که اغلب با عدم تحمل، تبعیض و فراهوانی برای مقاومت خشونت‌آمیز همراه است. بر این اساس، افراطیت به دو نوع است: نخست، افراطیت دینی میباشد که عبارت از انحراف دیدگاه‌ها و شیوه‌های میانه‌روی مذهبی و چرخش به سوی تفسیر تندروانه‌ی آموزه‌های دینی، تفسیری که اغلب با عدم تحمل، تبعیض و فراهوانی برای مقاومت خشونت‌آمیز همراه است. دوم، افراطیت ضد دینی است که افراط‌گرایان برضد دین فعالیتهای افراط‌گرایانه داشته و در بی‌دینی خود افراط می‌ورزند.

دکتر محمد امین احمدی رییس دانشگاه ابن‌سینا ویژگی‌های افراط‌گرایی مذهبی را در موردهای ذیل خلاصه کرده است:

- کاربرد جنگ و خشونت تمام عیار علیه نهادهای مدرن و نظام بین الملل.

- عدم رعایت قوانین بشردوستانه در جنگ و نقش وسیع و گسترده‌ی آن تحت عنوان جهاد با استفاده از راهبرد (النصرُ بالرُعب): کسب پیروزی از راه ایجاد وحشت)
- نفی مطلق حکومت‌های غیر دینی به مثابه نوعی شرک در حاکمیت و تاسیس حکومت دینی به هر قیمت.
- نفی مذهب و سنت‌های کلان فکری که مسلمانان آن را پس از اسلام ساخته اند (انقطاع از سنت)
- اقتدارگرایی و تمامیت خواهی. (فعالیت دانشگاهی و نقش آن در مهار خشونت و افراط‌گرایی، ۲۰۱۹)

گروه‌های افراطی غیر مذهبی که در افغانستان خود را طرفدار دموکراسی و سکولاریزم میدانند، در مقابل گروه‌ها و کسانی که فعالیت‌های اصیل دینی دارند و در صدد ترویج و نهادینه سازی فرهنگ ناب اسلامی هستند؛ برخورد افراطی کرده، با آنها مخالفت می‌ورزند. همان‌گونه که گروه‌های افراطی مذهبی طالبان و داعش در افغانستان بدبختی‌ها و وحشت را به وجود آورده است. پنداشت چنین است که؛ افراطیت در هردو طرف سبب عدم پیشرفت اقتصادی، علمی و فرهنگی و در کل نابودی جامعه بوده است اما با گرویدن هردو طرف به اعتدال‌گرایی و تساهل پیشه‌گی، تنش‌ها را می‌توانند از میان بردارند. در غیر این صورت باعث افزایش خشونت در جامعه می‌گردند. در نتیجه جلو رشد ایدئولوژی چنین گروه‌ها گرفته شود و برکسانی که از طریق اعتدال و فعالیت‌های مدنی در ارزش‌های دینی

کار میکنند، اتهام افراطیت را وارد نساژند. و یکی از اهداف این گونه فعالیت‌ها میتواند این باشد که قسداً مردم را به افراطیت تشویق و سوق نمایند.

ایدئولوژی

ایدئولوژی عبارت از سیستمی از ایده‌ها و قضاوت‌های روشن، صریح و عموماً سازمان یافته است که موقعیت یک گروه، یا جامعه را توجیه، تفسیر، تشریح و اثبات مینماید. این سیستم با الهام و تاثیر پذیری شدید از ارزش‌ها جهت‌یابی معین را برای کنش اجتماعی آن گروه و یا آن جامعه پیشنهاد میدهد. بنابراین بر اساس تعریف فوق ایدئولوژی در درون فرهنگ به عنوان مجموعه‌ای کاملاً به هم پیوسته، هماهنگ و سازمان یافته از ادراکات و تجلی‌بخش محسوب میگردد و در همین معنا است که میتوان از آن به عنوان یک (سیستم) نام برد. (روشه، ۱۳۶۸: ۹۹)

تحمل اجتماعی

تحمل اجتماعی یعنی بردباری و ظرفیت پذیرش تفاوت‌ها (مدارا) است. این مقوله اشاره به این دارد که افراد تا چه حد هنجارها، سبک‌های زندگی و عقیده‌هایی را که با دیدگاه خودشان تفاوت دارند را میپذیرند و به آن احترام میگذارند. (آقابخشی، نصیرپورسردهایی، کامران. ۱۳۹۰: ۲۶)

برای ادامه بحث در این قسمت در زمینه‌ی پاسخ به پرسش اصلی، با پاسخ به دو پرسش فرعی ذیل و ارجاع به دیدگاه محققان مربوطه می پردازیم.

۱) چه عواملی باعث افراط‌گرایی و رشد ایدئولوژی افراط‌گرایانه در

افغانستان میشود؟

افراط‌گرایی عوامل بیشماری دارد از جمله: عوامل سیاسی (موجودیت احزاب و دولت‌های افراطی) اجتماعی، مثل نبود فرصت‌های برابر اقتصادی، محرومیت‌های تاریخی و اجتماعی تهاجم فرهنگی، تبعیض و تعصب‌های قومی، مذهبی، زبانی عوامل و زمینه‌های اساسی نضج‌گیری اندیشه‌های افراطی و مشوق‌های افراط‌گرایی پنداشته میشود این عوامل باعث می‌شود که در یک جامعه زمینه‌های افراط‌گرایی مساعد گردد. قابل ذکر است که یکی از تأثیر گذارترین عوامل، استفاده ابزاری از دین میباشد یعنی؛ افراط‌گرایان تلاش میکنند که با پیوند زدن قرائت‌های تحریف شده و دلخواه دینی با متغیرهای سیاسی و اجتماعی متناسب با اوضاع جامعه، تفکر افراطی را خلق، توجیه، ترویج و نهادینه سازند.

رفتارهای افراطی با درنظر داشت ماهیت، بافت‌ها و ساختارهای جامعه‌ها متفاوت است. چنانچه در برخی جوامع نگرش‌های ایدئولوژیک و قرائت‌های خاص دینی فرقه‌ای ظرفیت قوی دارد. در بعضی جامعه‌ها محرومیت‌های تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و تقسیم نشدن عادلانه‌ی منابع بسترهای مساعد‌گرایش‌های افراطی پنداشته میشود. به همین ترتیب در بحث ریشه‌یابی علل و انگیزه‌های عمده افراط‌گرایی در افغانستان فقر، بیعدالتی و عقده‌های اجتماعی مسبب اصلی رشد روز افزون مخالفت در برابر دولت افغانستان و فعالیت‌های افراط‌گرایانه شده

است. و در صورتی که به این عوامل راه حل بنیادی در نظر گرفته شود، شمار افراط‌گرایان به پایین‌ترین سطح میرسد.

2) چرا از تداوم افراط‌گرایی یا بنیادگرایی در جامعه‌ی افغانستان نگران

باشیم؟

تداوم جنگ‌ها میان گروه‌های افراطی و دولت افغانستان باعث تضعیف نهادهای اجتماعی میشود. تحقیقات مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان نشان میدهد که افراط‌گرایی در مکاتب (دور افتاده) در حال توسعه است. اگر رشد کمی دانش‌آموزان با بهبود کیفیت آموزش و افزایش فرصت‌های آموزشی همخوانی نداشته باشد، این وضعیت میتواند به افزایش افراط‌گرایی در میان جوانان و بی‌ثباتی سیاسی منجر شود. افراط‌گرایی تنها به نهادهای آموزشی و تحصیلی خلاصه نمیشود. در ماه قوس ۱۳۹۴ یک پژوهش با هدف بررسی و مقایسه‌ی روند افراط‌گرایی در صفوف نیروهای امنیتی افغانستان در یازده ولایت با انگیزه‌ی درک درست ظرفیت‌ها و ماهیت روندهای افراط‌گرایانه متکی بر باورها، به‌شمول حملات خودی، قصور در وظیفه و ترک خدمت تداوم افراط‌گرایی در افغانستان انجام شده است. در مصاحبه‌ای که نویسنده با آقای علی امیری؛ استاد یکی از دانشگاه‌ها داشته است به این نتیجه رسیده است که: افراط‌گرایی در بخش اقتصادی نیز پیامدهای ناگوار به همراه دارد که تخریب سرک‌ها، بسته‌شدن کارخانه‌های صنعتی، بالارفتن قیمت مواد غذایی و فقر مردم تهی‌دست از برجسته‌ترین مثالهای آن است.

نتیجه‌گیری

افراط‌گرایی به عنوان یک معضل جدی در افغانستان است، زیرا با آراسته سازی خود به لباس تقدس و سلاح تکفیر از ضعف دینی و معنوی توده‌ها سوء استفاده نموده و برای نابودسازی ارزش‌های جامعه به پا ایستاده است. یکی از پیامدهای آن تولید و رشد تروریسم است و این موجب عدم تحمل اجتماعی شده است؛ زیرا فعالیت‌های تروریستی با آسیب‌رسانی به مهم‌ترین نهادهای اجتماعی چون: امنیت، آموزش، اقتصاد و سایر نهادها موجب تضییع حقوق بشر در افغانستان گردیده است. از همین جا میتوان ضرورت مبارزه جدی با افراط‌گرایی را دریافت.

پیشنهادها

لازم است این پدیده در سطح داخلی و خارجی مورد تحلیل و ارزیابی دقیق قرار بگیرد و برنامه‌های موثر و عملی برای مبارزه علیه افراط‌گرایی مورد توجه قرار گیرد. چنانچه محقق، برای حل این معضل راه کارهای ذیل را پیشنهاد میکند:

1. ذهنیت‌سازی‌های اجتماعی و فرهنگی؛
2. گفتمان‌سازی در دانشگاه‌ها؛
3. فعالیتهای مدنی و روشن‌گرایانه، افزایش سطح آگاهی جوانان؛
4. افزایش قدرت تحلیل دانش‌آموزان در مکتب‌ها.

پرداختن به مساله‌های ذکرشده، از لحاظ فکری ذهنی کمک میکند که آسیب‌پذیری‌های افراد در برابر دیدگاه‌های افراط‌گرایانه کاهش یافته و ریشه‌کن شود تا افراط‌گرایان نتوانند به راحتی افراد را به طرف خود بکشانند.

منابع

- درآمدی برایدئولوژی‌های سیاسی از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی - تهران، ایران. تالیف: اندروهی وود، ترجمه: محمد رفیعی. مهرآبادی، ۱۳۹۳، ص ۳۰-۳۱.
- تغییرات اجتماعی، تحریر: گی روشه. ترجمه، دکتر منصور وثوقی. تهران، ایران. چاپ دوم سال ۱۳۶۸، نشر نی، ص ۹۹.
- آقابخشی، حبیب‌الله؛ کامران، فریدون و نصیر پور سردهایی، مجید (۱۳۹۰). شناخت عوامل اجتماعی موثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب. فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۰: ص ۲۶.

منابع آنلاین:

<http://www.eslahonline.net>. 2015/10/17 11:55am

بازدید: 2019/9/19

یک بار دیگر غوغای رشد افراط‌گرایی در مکاتب کشور؛ ولی معیار افراطیت چیست؟

<http://www.afghanpaper.com>. 1395/12/7 11:50am

افراطیت یا افراط‌گرایی چیست؟

<Http://8am.af.extremism-factors-and-solutions>

افراط‌گرایی؛ عوامل و راه‌حل‌ها/ هشت صبح، یکشنبه، ۱۷ سرطان ۱۳۹۷،

بازدید: 8:40am

20:38 2019/9/20 [Http://www.etilaatroz.com](http://www.etilaatroz.com). بازدید:

چرا باید بابت گسترش افراط‌گرایی در افغانستان نگران باشیم؟

Avicenna.edu.af/dari 2019/2/26 12:20 pm

2019/9/19 بازدید

فعالیت دانشگاهی و نقش آن در مهار خشونت و افراط‌گرایی.

ایدئولوژی افراط‌گرایانه و عدم تحمل اجتماعی

علی آقا فیاض

پوهنځی ژورنالیزم

پوهنتون کابل

چکیده

مقاله‌ی حاضر می‌کوشد با استفاده از رویکرد تفسیرگرایی و اتخاذ رویکرد اتیک، نقش ایدئولوژی افراط‌گرایی در تحمل اجتماعی را بررسی کند. روش، کیفی است و اطلاعات مورد نیاز با روش کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده است. نتیجه‌ها نشان می‌دهد که شهروندان تحمل اجتماعی مطلوبی ندارند؛ این مساله ریشه اش از خشونت و خشونت‌گرایی آب می‌خورد. با این وجود، محققان بر این باور اند که آگاهی و اقتصاد مطلوب می‌تواند سطحی از جامعه‌پذیری را در میان شهروندان تامین کنند و در گرایش آن‌ها به تاثیرپذیری هنجاری موثر واقع شوند و سطح تحمل اجتماعی آن‌ها را توسعه دهند.

واژه‌های کلیدی: ایدئولوژی، افراط‌گرایی، بنیادگرایی، تحمل اجتماعی.

بیان مساله

"تحمل" اصطلاحی برای توصیف گرایش‌های اجتماعی یا رفتار فرد است که در مقابل نابردباری قرار دارد. این گرایش یا رفتار، برای: اندیشه‌ها، گرایش‌ها و کسانی که از نظر محتوا و هدف با اکثریت متفاوت‌اند (مانند گروه‌های اقلیت)، هیچ نوع آزادی یا حقی قایل نمی‌شود.

"تحمل اجتماعی" نه تنها به خودداری از ابراز احساس منفی به هر شخص یا هر چیز متفاوت با کنش‌گر مرجع، بلکه به این باور اشاره می‌کند که تفاوت‌ها، ضروری‌اند و برای ارتقای کنش‌گر مرجع لازم‌اند. در جوامعی که مبتنی بر همبستگی مکانیکی هستند و پیوند کسان به هم‌دیگر مبتنی بر مشابهت‌های آن‌هاست، تحمل اجتماعی اگرچه لازم است؛ اما مساله‌ای ایجاد می‌کند؛ زیرا شدت بالای وجدان جمعی و تعصب سبب می‌شود هر نوع گوناگونی در شیوه‌های زیست، تفکر و رفتار به‌طور طبیعی با واکنش‌های طبیعی شدید و خشن مواجه شود. جامعه‌ی امروزی در دهه‌های اخیر شاهد دگرگونی اساسی در پارامترهای ساختار اجتماعی خود بوده است. از جمله: مهاجرت از روستاها به شهر؛ تاسیس دانشگاه‌های متنوع و ورود کسان از دورترین نقطه‌های کشور به خرده‌فرهنگ‌ها و سبک‌های متفاوت زیست به آن؛ ورود فناوری‌های جدید رسانه‌ای مثل ماهواره، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی دیگر؛ افزایش افراد دارای تحصیلات آموزش عالی. عامل‌های مانند این‌ها، منجر به ایجاد ناهمگونی‌ها، همواره قابل مشاهده بوده است (آقابخشی، کامران و نصیرپور سرده‌هایی، ۱۳۹۰: ۱۹).

تنوع رسانه‌ای و تکثر فناوری‌های نوین باعث رشد آگاهی‌ها از یک طرف، و به تبع آن، شناخت شکاف‌های ژرف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی از طرف دیگر، مقوله‌ی تحمل اجتماعی را با تغییرات جدیدی مواجه ساخته است. به نظر می‌رسد تسهیل دسترسی مخاطبان به رسانه‌های اجتماعی و مشارکت در تولید محتوای داده‌های اطلاعاتی باعث خودابرازی در خصوص رفتار و اندیشه‌ی متفاوت خود نسبت به رفتارها، اعتقادات و ارزش‌های دیگران شده است. این وضعیت می‌تواند به ممانعت از طردشدن یا تحت فشار قراردادن خود در برابر دیگران منجر شود.

تعریف‌ها

ایدئولوژی

ایدئولوژی، مجموعه‌ای از عقیده‌ها است که شالوده‌ای برای عمل سیاسی سازماند به دست می‌دهد، اعم از این که هدف از آن، حفظ، اصلاح یا واژگون کردن نظام قدرت موجود باشد یا خیر؛ لذا تمامی ایدئولوژی‌ها این عملکرد را دارند: الف) شرحی را در باره نظم موجود عرضه می‌کنند که به شکل یک "جهان‌بینی" است؛ ب) الگوی یک آینده‌ی مطلوب را ارائه می‌دهند، یعنی تصویری از "جامعه‌ی خوب"؛ پ) یک طرح کلی را در باره‌ی این که چه‌گونه تحول سیاسی می‌تواند-و باید-ایجادشود، عرضه می‌کند. (اندرو هی‌وود، ۱۳۹۳:

(۴۱)

افراط‌گرایی

افراط‌گرایی عبارت از تصمیم قاطع و سخت‌گیرانه‌ای می‌باشد که در رابطه به یک امر اجتماعی از سوی فرد یا گروهی بنا بر موقف‌های اجتماعی اتخاذ می‌گردد. این تصمیم در پذیرفتن یک امر و یا انکار آن می‌باشد که باید بدون قید و شرط تعمیل گردد و در خصوص معقول بودن و یا غیر معقول بودن آن استدلالی صورت نگیرد که با این وصف، حد اعتدال رعایت نمی‌گردد.

بنیادگرایی

به معنای سرکوب و عدم تساهل است و دشمن ارزش‌های لیبرالیستی و آزادی شخصی است. رایج‌ترین توجیه بنیادگرایان برای ارتکاب یک چنین اعمالی، این است که چون قصد ریشه‌کن کردن شر را دارند لذا کاری را انجام می‌دهند که خواست خداوند است؛ به‌طور مثال: بمب‌گذاران انتحاری مسلمان باور دارند که با فداکردن جان خود در راه الله، مستقیم به بهشت می‌روند. انتظار بیشتر و اعتقاد به روز قیامت، یعنی این باور که ما در عصر-آخرالزمان زندگی می‌کنیم، به احتمال بسیار زیاد باعث افزایش خشونت در میان گروه‌های بنیادگرا است. (اندرو هی‌وود، ۱۳۹۳: ۵۱۵).

ایدئولوژی افراط‌گرایی چه‌گونه دامن اجتماع را می‌گیرد؟

افراط‌گرایی در ابتدا از حرکتی در جهت پیروی از قاعده و اصول اجتماعی، قانونی و اخلاقی شکل می‌گیرد و آهسته آهسته از رضایت و توقع اجتماعی بیرون شده و به یک مشکل جدی مبدل می‌گردد. در مرحله‌ی نخست جلوگیری از آن با توجه به این که حرکتی در مسیر درست و سازگار با بناها و ارزش‌های اجتماعی است، مشکل می‌باشد چون نمی‌توان تشخیص کرد که فرد چه زمانی از مدار

ارزش‌ها و اساس‌های عقلانی و معقول پا فرا می‌گذارد و به سوی افراط‌گرایی روی می‌آورد، اگر از ابتدا جلو‌چنین تحرک‌هایی از سوی دولت‌ها به این دلیل که این حرکت‌ها در مسیر خطا و خلاف مصلحت‌های اجتماعی می‌باشد گرفته شود و شخص و کسان محرک مورد بازپرس و تعقیب عدلی قرار بگیرند، "وقایع پیش از علاج است".

به‌طور مثال اگر افراط‌گرایی دینی را مورد بررسی و بازنگری قرار دهیم، متوجه می‌شویم که فرد در ابتدا یک اسلام‌گرای عادی و متمسک به آموزه‌های دینی بوده و دیگران را هم به‌سوی آن فرا می‌خواند که دعوت به‌سوی احکام و تمسک به ارزش‌های دینی یک امر پسندیده و قابل قبول اجتماع و مردم نیز می‌باشد؛ اما به مرور زمان به علت عدم درک درست از مفهوم‌های دینی و قرائت‌ها و تفسیرهای نادرست که از دین پیدا می‌کند راه تندی را پیش گرفته و گفتمان‌های سخت و درشت را از آدرس دین با مردم مطرح می‌کند. و زمانی که بحث‌های وی جایگاه میان مردم پیدا نمی‌کند و نسبت به اندیشه‌ها و نظرهای وی مخالف و واکنش‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، فرد قطعاً خود را در موقف حق و دیگران را بر باطل قرار داده و در جستجوی راهکارهایی می‌شود که بتواند برداشت‌های خود را تطبیق کند.

این موقف‌گیری‌های نادرست و تندروانه در نخست باعث عزلت و گوشه‌نشینی فرد از اجتماع می‌گردد و پس از آن این موقف‌گیری‌ها به عقده‌مندی تبدیل شده و منجر به عداوت و دشمنی می‌گردد. از این‌که در نظر وی اجتماع فاسد، منحرف و بی‌دین که سرگشته از حکم خدا است جلوه می‌کند، تخریب تاسیس‌های عامه

و کشتار مردم را راه تقرب و نزدیکی به خدا تلقی نموده و انجام این امرها را جهاد می خواند.

این جاست که اجتماع دچار افراط‌گرایی شده و عوامل و انگیزه‌های آن از هرگوشه زبانه می کشد، و هرکس با تفسیر غلطی که از امر به معروف و نهی از منکر دارد در جهت سلب آزادی و آزار دیگران دست به کار شده و این را از حقوق دینی خویش می داند؛ در حالی که او با آن فهم قاصر و ناقصی که دارد نه اهل دعوت است و نه معنای دعوت‌گری را درست درک کرده است. "تکه داری" از دین از روی جهالت و بلند کردن داعیه دعوت وسیله‌ای می‌گردد برای برهم زدن امن اجتماعی، پایمال نمودن حقوق اساسی و آزادی‌های فردی دیگران.

با در نظر داشت واقعیت‌های جهانی، منطقه‌ای و به‌خصوص کشور ما در حال حاضر رشد و عمق ریشه‌های افراط‌گرایی ضمن ترغیب و تمویل از بیرون در بستر واقعیت‌های عینی جامعه صورت می‌گیرد. سطح زندگی عقب مانده و فرهنگ سنتی ناشی از افکار و عقاید خرافی، توأم با برداشت‌های نادرست و کهنه از دین و مذهب در قابل اسلام سیاسی عوامل بنیادی این پدیده را می‌سازند که شرایط جنگی قوم، منطقه، حزب و گروه پرستی آن‌را تویه و به واقعیت مبدل می‌سازد.

ایدئولوژی افراط‌گرایی و تحمل اجتماعی

ایدئولوژی افراط‌گرایی خط‌بندی حق و باطل هرگونه نظریه خلاف نظر خودش را باطل به‌شمار می‌آورد و حامل این ایدئولوژی خودش را مسوول اصلاح اندیشه بشر دانسته، باعث کاهش تحمل اجتماعی می‌شود. طبق این ایدئولوژی کسانی

که هم عقیده با صاحب ایدئولوژی نیست، منحرف است و باید اصلاح شود و در صورتی که اصلاح ناپذیر باشد باید از میان برداشته شود؛ زیرا باعث انحراف اجتماعی می‌شود. ایدئولوژی افراط‌گرایی تنها مربوط به اسلام نیست، کلیسایها در قرن‌های وسطایی مدل‌های خوب برای مطالعه اندیشه و ایدئولوژی افراط‌گرایی است. افراطیت دینی از نظر ساختاری، ترکیب از هم‌خوانی و هم‌دیگرایی عصبیت‌های جامعه‌های عقب‌مانده است که باهم پیوند متوازن دارند، افراطیت دینی همان عقده‌های اجتماعی تاریخی است که برای بقا و مشروعیت خود در لفافه‌ی دین و با شعارهای دینی ابراز وجود می‌کند. فلسفه‌ی افراطیت دینی نوع مبارزه‌ای از جنس خراب‌کردن و دشمن‌ستیزی و انتقام‌گیری است، هیچ‌گونه پیام و پیامد پس از مبارزه برای ساختن و زندگی کردن ندارند. ممکن بگویید که افراطیان عرب‌زبان امروز تمدن دیده استند، نه متاسفانه آن‌ها به تمدن امروزی هم از عینک هزار سال پیش نگاه می‌کنند، و نسخه‌های دردهای امروزشان را از متن متون پیش می‌خواهند استخراج کنند؛ چون درک امروزی از مساله‌های سیاسی جهان ندارند، راه‌حل معضل‌های سیاسی اقتصادی جهان را در مبارزه مسلحانه و خشونت‌آمیز می‌بینند، که بهترین نمونه‌ی آن‌ها طالبان در افغانستان است. آن‌چه غیر قابل تحمل است، این است که دستاوردی جز جریان خون ندارند اما داد از انسانیت و عدالت می‌زنند که از نظر اجتماعی و انسانی غیر قابل تحمل است. از این سبب گفته می‌توانیم که ایدئولوژی افراط‌گرایی روی تحمل اجتماعی اثر به‌سزایی دارد.

پیشنهادها:

۱. تولید برنامه‌های فرهنگی جهت آگاهی خانواده‌ها.
۲. توجه به برنامه‌های اجتماعی و روان‌شناختی در رسانه‌های اجتماعی.
۳. برپایی همایش‌های منطقه‌ای و ملی.
۴. تقویت جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری.
۵. افزایش مناسبت‌ها و مبادلات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و علمی میان قوم‌های مختلف، برچیدن فاصله‌های جغرافیایی و کمک به برقراری تفاهم، همبستگی و همکاری ملی.
۶. مسجدها، دانشگاه‌ها، مدرسه‌ها، مکتب‌ها و نهادهای مدنی زمینه را برای افزایش روحیه‌ی تساهل در جامعه فراهم کنند. برای این که بتوان همواره در یک جامعه تساهل و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز را تقویت نمود، باید بر فرهنگ‌سازی و تعلیم و تربیت علمی توجه بیش‌تری کرد.

منابع

۱. اندرو هی‌وود - محمد رفیعی مهرآبادی - درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی - تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی (۱۳۹۳)
۲. آقابخشی، حبیب‌الله؛ کامران، فریدون و نصیری‌پور سردهایی، مجید (۱۳۹۰). شناخت عوامل اجتماعی موثر بر سطح تحمل اجتماعی در شهر سراب. فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۰: ۱۷-۳۴.

3. <http://www.payom.net/fa/05/06/2018>

افراط‌گرایی چیست افراطی کیست. بازدید ۱۹-۱۰-۲۰۱۹

د کار نشتوالی څنگه د ټولنیز زغم د نشتون لامل گرځي؟

حضرت الله نشاط

د کندهار پوهنتون

د ژورنالیزم پوهنځی

مقدمه

تر سرلیک لاندې پوښتنه موږ ته د کندهار پوهنتون په پیس کلب اداره کې د تحقیق او څېړنې تر څو ورځني سمینار وروسته ددې لپاره راکړل سوه، چې د څېړنې د یوه مېتوده څخه گټې اخیستنې له لارې یاده پوښتنه جواب او حل لار ورته ولټوو. په همدې اساس زه دا څېړنه د څېړنې د روشونو سره سم ترسره کوم. او هڅه به کوم چې حقایقو ته پکښې ورسېږم.

بې کاري، بې روزگاري او د کار نشتون په یوه ټولنه کې د مېشتو وگړو د مادي اړتیاوو او مشکلاتو د نه حل کیدنې په معنی ده. ټولنیز زغم په دې معنی دی، چې کله هم زموږ ټولنه له یوې ستونزې سره مخامخ سي یا په بل عبارت د ټولني اوسېدونکي له کړاو او درد سره مخامخ سي؛ دوی ددې په مقابل کې له زغم، حوصلې او فکر څخه کار واخلي او کوم منفي عکس العمل ونه نښي: دغه ته ټولنیز زغم ویل کېږي، چې ما د خپلو امکاناتو برابر د رامنځته کېدو ځینی لاملونه تر بحث او مطالعې لاندې نیولي دي.

دلته باید ووايم چي د هغه احصايي په خاطر مي پکار وي د ځينو کسانو سره مي مصاحبي وگرې چې ډير ويې د نه اعتماد له کبله سوالانو ته ځواب ونه وايه همدا راز د منابعونه شتون زما بله ستونزه وه.

د څېړني په جريان کي ستونزې

دغه تحقيق چي زه ئې څه ناڅه له ځينو ستونزو سره مخامخ کړم يوه ئې دا وه چي د موادو کمښت ؤ يا به هم مواد په دې برخه کي ډېر وي خو ما لاس رسي ورته پيدا نکړ.

بله مهمه ستونزه دا وه چي په دغه څېړنه کي مي ډېر کار د ټولني له عامو وگړو سره ؤ، چي دا بيا بېل سرخوړی ځکه ؤ چي د ټولني عام خلک په دغسي څېړنو بې باوره سوي او د شک په سترگه ئې کتل. ځکه دې کار زما څېړني ته څه ناڅه خنډ پېښاوه.

د دې څېړني موخه

له دې څېړني مو هدف د بې کارۍ په وړاندي د خنډونو مشخصول او دا معلومول، چي هغه کوم خنډونه دي، چي بې کاري رامنځته کوي او دغه رقم ددغو خنډونو د مخنيوي لپاره د حل لاري وټاکو تر څو ټولنه له دغه حالته د پرمختيا لوري ته بوځو.

همدارنگه په راتلونکي کي نورو محققانو ته په دغه برخه کي کار کول څو هغوی هم څه ناڅه گټه ورڅخه واخلي.

د څېړني مېتود

هره خېږنه او ليکنه په يوه مېتود، چې تر خېږني وړاندي ټاکل کېږي ترسره کېږي. دلته ما له سروې مېتود څخه استفاده کړې ده. چې په ساحوي خېږنه کې حسابېږي. دا خېږنه د پوښتنليکونو پر اساس ترسره سوې ده او همدارنگه له بېلابېلو اشخاصو سره مرکې هم پکښې ترسره سوي دي، او ددې په څنگ کې مي له کتابتونې خېږني څخه گټه اخيستي ده.

د خېږني ارزښت او اړتيا

ددې خېږنې ارزښت په دې کې دى چې پر بېلابېلو فکتورونو بحث سوى دى. نو ددې موخې د تر سره کولو په خاطر مې چې د بېکارۍ لامل دى. له ډيرو خلکو سره مخامخ مرکې او پوښتنې شريکې کړې دي او له هغوى څخه څه ناڅه جوابونه ترلاسه سوي دي. ځکه چې موضوع بېکارۍ او ټولنيز نه زغم دى او دا خلکو د ژوند سره مستقيمه اړيکه لري ځکه نو زه باوري يم، چې دا يو مرستندويه او با ارزښته سي.

بېکاري او ټولنيز نه زغم

بېکاري يوه له هغو ستونزو څخه ده، چې ټولنه له بېلابېلو کړاونو او گډوډيو سره مخامخ کوي. د ټولني د وروسته پاتېوالي لامل گرځي. د بېکارۍ د رامینځته کېدو يو اساسي علت د امنيت خرابوالى دى. چيرې چې د کومې ټولني اوسېدونکي د امنيت له نعمت څخه بې برخى وي هغوى به د کارونو د کمښت سره هم مخامخ وي. هره ټولنه او په ټوله کښي که هر د کمزورى اقتصادي د کمزورى. سره مخامخ وي، نو په ټولنه کښي به پروژې نه تطبيق کېږي او کله چې

پروژې عملی نه شی او اقتصادی خدمتونه شتون و نه لری هلته نو خودبخوده د بی کارۍ کچه لوړېږي.

هسې چې جوته ده اوس مهال په ټولو هېوادونو کې د پخوا په پر تله چې په ځینو هېوادونو کې دولتی سکتور حاکم او اقتصادي برخې د خصوصی سکتور په واک کې دي. د افغانستان بی وزی هیواد خصوصی سکتور ددې توانایی نه لري چې یوې پروژې په کار واچوی ترڅو د ډیر و کسانو لپاره کار پیدا شی او دولت هم د اقتصادی ستونزو او مالی بی ځواکه سرچینو له امله د خصوصی سکتور لازمه ملتیا او لاسنیونه نه شی کولای. نو کار پنځونی هم کمې دي. تر همد اوس هغه پانگوال چې د ټولني ډېری پانگه د هغوی په لاس کی ده خپله پانگه په بهر کی په کار اچولې ده. ځکه د هغوی لپاره خپله گټه او پانگه اهمیت لري دغسې د دولت ستونزي، سالم پلان نه موجودیت او نه توجه او ورته نوري ستونزي هم د بېکارۍ د گراف په لوړېدا کې ډېر نقش او رول لري.

نو په دی توکه کله چې د یوې کورنی یو یا څو غړی تحصیل لری او د کار توان هم لري بیا هم وزگار پاتې کیږي نو طبیعی ده چې دې داسی کسانو څخه د حوصلې او زغم تمه بهې ځایه کار ته ضرورت لري ترڅو د هغې له لارې ځان او خپلی کورنی ته ډوډی پیدا کړی، د خپلو اولادونو روزنه او درملنه وکړي.

هغه وخت چې په یوه ټولنه لکه زموږ هیواد غوندی یو څوک مکتب وواپی پوهنتون خلاص کړی او په دی آرزو وي چې د خپل په پای ته روسولو سره به با اعتبار او دخپلی خوښی کار پیدا کړي اما دا هیله یې بهې ځوا به پاتې کیږی، نو طبیعی

ده چې د هغه حوصله او زغم پای ته رسيږي په هر کار څه قانونی وي يا غير قانوني ، مشروع وي که نا مشروع ، لاسپوری کوي.

همدا ده چی په ټولنه کې ډول ډول فساد او غير قانوني کړنې منځته راځی، ځوانان د دولت او ټولني څخه خوا بدي کيږي او د یوی مړی ډوډی د پیدا کولو په خاطر په غلاوو وژنو لاسپورې کوي، د مخالفینو لیکو ته ځي او په هر نور منفي عمل لاسپورې کوی.

1. د لاسته راوړل شویو شمیرو تحلیل

د موضوع په اړوند می څلور لاندې سوالونه طرحه او د بیلابیلو کسانو څخه می نظر وغوښت چې پایلی یې په ټولنه کي بېکاري د ټولني په خلکو باندي څه اغېز لري؟

په دغه څېړنه کي، چي ما پر شپېټو(۶۰) کسانو باندي ترسره کړې، له دغي جملې دېرشو (۳۰) کسانو وویل چي منفي تاثیر لري. او د اقتصادي مشکلاتو د رامنځته کېدو سبب کېږي. پنځه ویشته (۲۵) کسانو وویل چي منفي تاثیرات د اقتصاد د پرمختگ مخنیوی کوي او پاتي پنځو (۵) کسانو وویل چي کورنی تاوتریخوالی رامنځته کوي. نو دې نتیجې ته رسېږو چي بې کاري د اقتصادي مشکلاتو په لوړیدا کي مستقیم رول لري، چي په پایله کېني ئې بېلابېل جنايتونو ته افراد لاس اچوي. او ټولنه د ستونزو سره مخ کېږي.

۲. په ټولنه کې د بېکارۍ د رامنځته کېدو لاملونه څه دي؟
ددې پوښتنې په مقابل کې (۴۰) سلنه خلکو وویل چې امنیتي ستونزې دي.
دېرش (۳۰) فیصده اشخاصو د خصوصي سکتور نه موجودیت یاد کړ او (۳۰)
فیصده نورو بیا د دولت نه توجو د خلکو ستونزو ته یاد کړې دي.
نو د دوی نظر پر بنا د امنیتي ستونزو له کبله تر بل هر عامل بېکارۍ ډیره
رامنځته کېږي چې تر دې وروسته په دوهم قدم کې د خصوصي سکتور نه
موجودیت او د دولت نه توجو د یادونې وړ دي.

۳. ایا ټولنیز زغم د بېکارې په له منځه وړلو کې څه نقش لري؟
ددې پوښتنې په جواب کې ۶۰ فیصده خلکو وویل چې ټولنیز زغم د بې کارۍ
په له منځه وړلو کې، رول لري چې که زغم وسي د ستونزو په مقابل کې هلته د
ستونزو د پېښېدا امکان لږ او د حل لارې ئې ډېرې وي، مگر پاتې ۴۰ کسانو
ټولنیز زغم د بېکارۍ په له منځه وړلو کې خاص مهم ندی بللی، ځکه د دوی په
باور په دې صورت کې ټولنه چوپ پاتې کېږي او دولت او خصوصي سکتور یې په
وړاندې بیا د مسوولیت احساس نکوي.

۴. ستاسې په نظر کوم کسان په ټولنه کې د بېکارۍ په له منځه
وړلو کې وکولای شي اقامت یې ابقام کولای شي؟
۴۰ فیصده کسانو بیا هم ویلي چې د بېکارۍ ختمولو کې دولت رول
لري. ۳۰ فصدو پانگوال یاد کړي او ۳۰ فیصده نورو خپله ځوانان دي،
چې که دا مسوولیت دوی پر مخ بوزی یا نې ځوانان خپله د کار پیدا
کولو په خاطر شرایط برابر کړی یا نې نې زده کړې وکړي، بیلابیل

تخصصونه تر لاسه کړي ممکن د کار پیدا کولو جوکه شي او په دې توگه د بی کاري به کمولو کې مرسته وکړي.

نتیجه

د دې مطالعی عمومي پایلي دا رانښيي، چي بېکاري د خلکو پر ژوند مستقیم منفي اغیز لري او دولت، خصوصي سکتورونه او ځوانان ئې د بېکاری په ختمولو کي مهم فکتورونه دي. او ټولنیز زغم د فیصدیو په اکثریت سره د کار لپاره چندان زمينه سازي نسي- کولای، ځکه د ټولني وگړي که خاموش سي د بي مسوولیتی په احساس اخته کېږي او که دا احساس پیدا سي ټولنه له یو بل ناورین سره لاس و گریوان کېږي. هر څوک به په خپلو گټو پسي- گرځي او دنور غم به نه کوي چي دا د غفلت اوج دی.

وړاندیزونه

- دغه او دېته ورته سیالی او په ترڅ کې د سمینارونه دي ډېر سي، ځکه دا زموږ سره مرسته کوي، چي د پوهنتون د بېلابېلو پوهنځیو له محصلانو سره مو اړیکي جوړې او ټینګي سي او په عین حال کي مو علمي سطحه په بېلابېلو موضوعاتو کي د استادانو لخوا د لکچر په راکولو سره ډېره سي.
- زموږ څېړني دي او لیکنې دې و ارزول سي او هغه څېړني او لیکنې چي د څېړني په اصولو برابري وي، سره غونډې سي او د یوې رسالې یا

کتاب په بڼه دي چاپ سي، تر څو په راتلونکي کي نور څېړونکي څه ناڅه گټه ورڅخه واخلي.

- د دغو څېړنو تر ټولو غوره څېړونکي دي په معنوي او که امکان لري په مادي ډاليو ونازل سي تر څو دا لا تشويق سي، چي تر دې لا قوي څېړني ترسره کړي.
- زما او يا هم د سمينار د نورو گډونوالو ليکنی به ممکن ستونزي ولري، زما وړانديز دادی، چي دا ستونزي دي په گوته سي او د يادو محققينو سره د اصلاح په موخه شريکي کړای سي او که امکان لري د يو ورځني سمينار په توگه دي بيا راوغوښتل سي او ستونزي دي ور اصلاح کړای سي.

ماخذونه

۱. روهي، محمد صديق: د څېړني لارښود، د افغانستان د منطقه يي مطالعاتو مرکز، کابل، ۱۳۵۴ ه. ش.
۲. دوديال، پوهاند بشير: د علمي تجربو ډيزاين او تحليل، گودر کتاب پلورنځی، جلال آباد، شخصي- مطبعه، ۱۳۸۴ ه. ش.
۳. روهيال، مطيع الله: د څېړني چپټر، د پښتو ژبي او ادبياتو پوهنځی، کندهار پوهنتون، کندهار، ۱۳۹۸ ه. ش.
۴. ودان، شېروان: بېکارۍ د ځوانانو ټولنيز ژوند ور تريخ کړی!
Radio.com
WWW.Enikass
۵. نشاط، حضرت الله: ساحوي څېړنه، کندهار، ۱۳۹۸ ه. ش.

عوامل رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان و راهکار ها برای حل آن

ام‌البنین متقی

پوهنخی حقوق و علوم سیاسی

پوهنتون بلخ

چکیده

نگاهی به وضعیت معارف در ۱۷ سال گذشته نشان می دهد که پیشرفت در عرصه معارف در این مدت بیشتر روی کمیت می چرخید و به دلیل عدم توجه به کیفیت آنها، در حال حاضر با مشکلات بیشتری روبرو است.

یکی از مشکلات کیفی، رفتارهای ناپسند میان اساتید و دانش‌آموزان است. نوشته حاضر در مورد عوامل این رفتارهای ناهنجار میان اساتید و دانش‌آموزان و راهکار ها برای حل این معضل بوده که روش تحقیق آن کمی و کیفی و روش جمع آوری اطلاعات کتابخانه ای میباشد.

هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان و دریافت موثر ترین راهکار ها برای حل این معضل میباشد.

ضرورت این تحقیق در اینست که امروزه سیستم تحصیلی در کشورما با مشکلات زیادی مواجه است و یکی از بزرگترین مشکلات رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش‌آموزان میباشد؛ که با بررسی این عوامل، بتوانیم راه حل مناسب و موثری را دریابیم و تا حدی در کاهش این معضل کمک کنیم.

نتایج که از این تحقیق بدست آمده بیانگر این است که عوامل این گونه رفتارها در کل عبارت از نا امنی، فساد اداری، مشکلات روانی مردم کشور، کیفیت پایین ارائه خدمات نهاد های تعلیمی - تحصیلی، کمبود اساتید معیاری و غیره می باشد.

کلمات کلیدی: استاد، دانش آموز، رفتارهای ناهنجار، راهکار.

کلیات تحقیق

طرح مسأله

بر اساس ارقام وزارت معارف افغانستان در حال حاضر حدود ۳.۷ میلیون کودک واجد شرایط مکتب در افغانستان، از رفتن به مکتب محروم اند. علاوه بر این، سکتور معارف در افغانستان با مشکلات و چالش های زیادی مواجه است. کمبود معلمین مسلکی و کارمندان متخصص، نبود ساختمان ها، کمبود کتاب ها و سایر لوازم درسی، معیاری نبودن امتحانات، مکاتب مسدود و خیالی، مشکلات نصاب درسی، ضعف اداره و غیره، برخی از مشکلات عرصه معارف در افغانستان است. (گزارش وزارت معارف در آغاز سال ۱۳۹۸)

یکی از مشکلات رایج و بزرگ، که در عرصه تعلیم و تربیه موجود است و اغلبا نادیده گرفته میشود رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان میباشد که رفتارهای اجتماعی عده یی از دانش آموزان در دانشگاه ها و مکاتب را تشکیل می دهد. این موضوع از آن جهت، خیلی قابل اهمیت است که مکتب، پایه گذار فهم و معرفت دانش آموز است. از سویی دیگر، همیشه شکایت شده است که رفتارها در میان دانش آموزان و اساتید نامطلوب است؛ بنا بر این، بررسی این مطلب و کوشش در جهت زدودن آن، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

پیشینه تحقیق

در مورد سیستم تحصیلی، وضعیت تعلیم و تربیه در افغانستان، و دیگر موارد تحقیقات زیادی صورت گرفته، اما نویسنده این مقاله بصورت مشخص در مورد عوامل رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان جداگانه و مشخص چیزی کسب کرده نه توانست نگرفته است. اما میتوان این مورد را در تحقیقات بعضی از محققین بصورت جزئی مشاهده نمود. بطور مثال در مقاله تحقیقی که توسط رها نیک آیین در سال ۱۳۹۸ در مورد "فرصت ها و چالش های فراروی تحصیلات عالی در افغانستان" میباشد، اشاراتی به کیفیت مداری در مکاتب صورت گرفته است:

"یکی از مهمترین و اساسی ترین چالش ها و مسائل اصلی در کشور در زمینه تحصیلات عالی افزایش سطح تقاضا و نبود ظرفیت لازم برای پاسخگویی به تقاضای مردم است..." (نیک آیین، ۲: ۱۳۹۸)

سوال تحقیق

سوال اصلی این تحقیق اینست که علت های اساسی گسترش عدم تحمل در مکاتب افغانستان چیست و راهکارهای برای از بین بردن آن کدام ها اند؟

هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان و دریافتن موثر ترین راهکار برای حل این معضل میباشد.

ضرورت تحقیق

ضرورت این تحقیق در اینست که امروزه سیستم تعلیمی در کشور با مشکلات زیادی مواجه است و یکی از بزرگترین مشکلات که اغلبا نادیده گرفته میشود و

این مشکل خود باعث افزایش مشکلات در عرصه تعلیم و تحصیل می گردد، رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان میباشد. باید به آن ها پرداخته شود تا موانع از سر راه سیستم تعلیمی برداشته شده، هر کاری که در تسریع این روند صورت می گیرد، به راه بیفتد و در زمینه موثریت خود را داشته باشد.

اهمیت تحقیق

اهمیت این تحقیق در اینست که با بررسی عوامل رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان، بتوانیم راه حل مناسب و موثری را دریابیم و تا حدی در کاهش این معضل کمک کنیم.

روش تحقیق

درین تحقیق از روش کمی و کیفی (مختلط) استفاده صورت گرفته است و روش جمع آوری معلومات کتابخانه ای می باشد.

رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان

مکاتب محل انسان سازی است بزرگترین شخصیت های بشری در تاریخ با بهر گیری از صنف مکتب و تحصیلات عالی به مدارج عالی امروزی رسیده اند اما متاسفانه فعلا اهانت به معلم، دامن زدن به مسایل قومی زبانی، چاقو کشی، تهدید، واسطه بی کیفیتی و بی ظرفیتی معلم، از بین رفتن احترام به خورد و بزرگ و اساتید سابقه دار، خشونت های اداری و بلاخره بی سرنوشتی شاگرد وغیره نمونه های از وضعیت تعلیمی و تحصیلی در کشور است. (بران، ۱۳۹۰: ۱)

رفتار های ناهنجار یکی از موارد رایج در عده یی از مکاتب افغانستان است که اساتید و متعلمین با آن مواجه میباشند. رفتارهای ناهنجار یعنی اینکه متعلم و محصل و بعضا استاد با رویه های ناخوشایند و نامطلوب در صدد صدمه رساندن

به شخصیت طرف مقابل و اهانت به یکدیگر میباشد. این رویه های نامطلوب به اشکال مختلف مانند پرخاشگری، دشنام دادن، لت و کوب، خشونت های فیزیکی و غیره تبارز داده میشود.

عوامل گسترش رفتار های ناهنجار

عوامل گوناگونی، سبب بروز این معضل گردیده که در کل نمی توان علل ثابتی را عامل این معضل دانست. اما اغلب این عوامل قرار ذیل است:

۱. مشکلات روانی اشخاص: اغلب کسانی که دست به همچو اعمال می زنند از لحاظ روانی در وضعیت نامطلوب قرار دارند. طبق گزارش وزارت عامه در سال ۱۳۹۳ در حدود ۶۰٪ از مردم افغانستان از بیماری های روانی رنج میبرند. (شریفی، ۱۳۹۳: ۱)

۲. ناامنی: جنگ جاری و ناامنی در کشور مانند هر عرصه دیگر، چالش بزرگ در برابر تعلیم و تعلم در کشور میباشد. براساس گزارش اخیر یوناما، سال ۲۰۱۸م خونین ترین سال برای مردم افغانستان بود. (گزارش از وزارت معارف در آغاز سال ۱۳۹۸)

۳. فساداداری: کمیته مشترک مستقل ارزیابی و نظارت مبارزه با فساد اداری در گزارش خویش نگاشته که فساد در پروسه استخدام معلمین، فروش کتاب درسی، مشکلات توزیع معاشات معلمین و غیره روی وضعیت تعلیم و تربیه تاثیر ناگواری داشته است. (گزارش از وزارت معارف در آغاز سال ۱۳۹۸)

۴. کیفیت پایین: براساس آمار وزارت معارف تنها ۲۷ در صد از ۱۷۰۰۰۰ تن معلم، شرایط یک معلم مسلکی را دارد. (گزارشات وزارت معارف افغانستان در سال ۱۳۹۸)

۵. عوامل مربوط به مراکز تعلیم و تربیه: کمبود معلمین از نظر صلاحیت، شایستگی و تعداد، نامتناسب بودن روش های ارزیابی شاگردان و غیره (مجاب، ۱۳۹۵: ۱۵۸)

با توجه به عوامل یادشده میتوان از فقر، تعصبات قومی و نژادی، موجودیت افراد زورمند، عدم نظارت درست از مراکز تعلیمی، پایین بودن حس وطندوستی در میان افراد که باعث سوء استفاده از صلاحیت های وظیفوی می گردد و هزاران مورد دیگر از جمله عوامل اساسی در شکل گیری این معضل میباشد که با مشاهده مراکز تعلیمی خیلی واضح نمایان می گردد

راهکارهای از بین بردن رفتار های ناهنجار

گام هاییکه باید برای حل این معضل برداشته شود و در اولویت قرار دارد عبارت از:

۱. امنیت سراسری، در فضای صلح و امنیت امکان تعلیم و تحصیل برای همه مساعد است.
۲. ارتقای کمیت و کیفیت سیستم درسی و خدمات رفاهی دانش آموزان که باعث انگیزه بیشتر دانش آموزان میگردد.
۳. ایجاد مراکز مشاوره تحصیلی در مراکز تعلیمی؛
۴. آموزش فرهنگ مطالعه و کتاب خوانی در جامعه؛
۵. پرورش حس وطندوستی که باعث از بین رفتن تعصبات میگردد؛
۶. نظارت درست از نحوه عملکرد درست مراکز تعلیمی؛
۷. برگزاری برنامه های برای ارتقای ظرفیت و برنامه های رهنمودی برای متعلمین و اساتید؛
۸. ایجاد زمینه های شغلی مناسب برای متعلم و محصل، و مرتبط ساختن او با مراکز شغلی (از قبیل کار آموزی، رضا کاری وغیره).

نتیجه گیری

از آنچه گفته آمد، نتیجه می گیریم که در افغانستان، وضعیت کیفی تعلیم و تربیه، و تحصیل به گونه مطلوب وجود ندارد. آنانی که وارد سیستم تعلیمی استند، اکثراً آگاهی مسلکی از شغل خویش ندارند و بعضاً حتا غیر رشته ای تدریس می کنند.

از سویی دیگر، در جامعه نیز وضعیت زنده گی چندان پسندیده نیست تا انسان‌های سالم و مسوول نیز از آنجا به مکتب سپرده شود. همچنان خانواده که مکتب کوچک است و نخستین سنگ بنای تعلیم و آموزش هر کودک را می‌گذارد، نیز برگرفته از جامعه ناهنجار کنونی است و نمی‌توان زیاد امید بر آن‌ها بست. تنها شمار اندکی از خانواده‌ها وجود دارند که به فرزندان خود، توجه شایان می‌کنند. این جاست که مشکلات رفتاری در میان دانش‌آموزان و از سویی دیگر از جانب استادان صورت می‌گیرد.

رفتارهای ناهنجار عبارت از رفتارهای است که غالباً به منظور صدمه رساندن به شخصیت افراد اعمال می‌گردد و این تحقیق در مورد عوامل رفتارهای ناهنجار میان اساتید و دانش‌آموزان را بررسی نموده است.

مناقشه

یکی از مشکلات در زمان این بود که در جامعه فعلی افغانستان، تحقیقات و افری در بخش‌های مختلف وجود ندارد و در مواردی به کمبود منابع بر می‌خوریم درین زمان میتوان از تحقیقات میدانی استفاده نمود اما مشکلی که در تحقیقات میدانی وجود دارد نا آشنایی مردم به اینگونه تحقیقات می باشد؛ اما در عین حال این یک فرصت خوب برای محققان می باشد چون جامعه ما بکر تحقیق است و میتوانم با تحمل بعضی مشکلات به تحقیقات پرداخت.

تحقیقات گوناگون که در عرصه‌های مختلف تعلیم و تربیه صورت گرفته است از جمله تحقیقی که توسط رها نیک آیین در مورد فرصت‌ها و چالش‌های فراروی تحصیلات صورت گرفته است.

در مواردی این تحقیق با آن تحقیقات یکسان است اما مشخصه اصلی و اساسی که باعث متمایز شدن این تحقیق از دیگر تحقیقات می شود، مشخص و معین بودن موضوع این تحقیق (عوامل رفتار های ناهنجار میان اساتید و دانش آموزان) می باشد.

این تحقیق مشخصاً روی عوامل رفتار های ناهنجار بحث می کند و در اخیر راهکار های برای حل آن ارایه می دارد.

در کل میتوان گفت این یک تحقیق کلی نبوده بلکه روی جزئیات موضوع بحث صورت گرفته است.

منابع و مأخذ:

- آغاز سال تعلیمی ۱۳۹۸ و وضعیت معارف در افغانستان. مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی
- نیک آیین، رها. (۱۳۹۱). فرصت ها و چالش های فراروی تحصیلات. روزنامه افغانستان ما
- شریفی، زهرا.. مشکلات روانی . موسسه اجتماعی-فرهنگی تساوی، نشر در سال ۱۳۹۳ مراجعه در سرطان سال ۱۳۹۳
- بران، عبدالقدیر.. نفس خیال باز . مجله نوش نیش سیاسی، انتقادی و اجتماعی، نشر در سال ۱۳۹۰ مراجعه در سرطان سال ۱۳۹۸
- مجاب، منصور.. مشاوره تحصیلی. انتشارات مرکز ذهنیت سازی، کابل، چاپ سوم، ۱۳۹۵

خشونت چگونه باعث عدم تحمل اجتماعی میشود و چه راه حل ها باعث بهبود وضعیت خواهد شد؟

پیمان نظامی

پوهنخی حقوق و علوم سیاسی
پوهنتون بلخ

چکیده

خشونت های عاطفی نوعی رفتاری است که به قصد کنترل و انقیاد یک انسان دیگر انجام میگردد و می تواند استفاده از ترس ، توهین و تجاوز کلامی یا جسمی را شامل شود. خشونت عاطفی در حقیقت نوعی سوء استفاده است که ماهیتاً عا طفی و هیجانی است نه جسمی. خشونت های عاطفی مثل شست و شوی مغزی است که در آن به طور منظم اعتماد به نفس ، ارزش شخصی ، اعتماد به دریافت های شخصی و خود پندارهای افراد جامعه را تحت تاثیر قرار داده و سبب تضعیف روابط اجتماعی افراد جامعه میگردد. در حقیقت خشونت عاطفی چه به وسیله زخم زبان و تحقیر مداوم انجام گیرد و چه تحت عنوان راهنمایی آموزش و پند ، نتیجه یکسان دارد. با توجه به اینکه خشونت های عاطفی به هسته درونی یک جامعه آسیب وارد میکنند باید به درستی مورد شناسایی و کنترل قرار گیرند تا سبب ایجاد دگرگونی منفی در روابط خانوادگی و اجتماعی یک جامعه نگردد.

واژگان کلیدی: خشونت عاطفی، عدم تحمل اجتماعی.

خشونت های عاطفی آسیب های بسیار جدی به سلامت روان افراد وارد میکند. زخم های این نوع آزار ماندگار است و به سختی از ذهن و روان قربانی پاک میشود. آزار و خشونت عاطفی اعتماد به نفس، هویت و احساسات فرد را هدف قرار میدهد و تاثیرات ویرانگر دارد. خلاف خشونت های فیزیکی و بدنی این نوع خشونت هیچ گونه جراحت و آثار ظاهری و فیزیکی ندارد بلکه کسی که تحت شعاع خشونت عاطفی قرار میگیرد در حقیقت هویت و ارزش شخصی آن صدمه می بیند. با توجه به موضوعات ذکر شده برای فهم درست پیامد های اجتماعی نخست باید روشن سازیم که مفهوم خشونت عاطفی چیست؛ تحمل اجتماعی به چه معناست، بناً در پژوهش حاضر نخست به بررسی مفهوم خشونت عاطفی، انواع و علل آن و سپس به بررسی مفهوم تحمل اجتماعی و پیامد های اجتماعی خشونت عاطفی پرداخته شده است.

خشونت عاطفی

خشونت عاطفی هر نوع رفتار کلامی یا غیر کلامی است که اثری بسیار منفی بر سلامت روانی و احساسی فرد میگذارد و نیز سبب خود باختگی و از بین رفتن اعتماد بنفس فرد میگردد. این نوع خشونت در بین دوستان بسیار نزدیک، زن و شوهران و اعضای خانواده بیشتر اتفاق می افتد. کلمات تند، ادبیات تحقیر آمیز، طعنه زدن، تهدید کردن و ناسزا گفتن شایع ترین انواع خشونت های عاطفی میباشد. خشونت عاطفی در حقیقت نوعی سوء استفاده است که ماهیتاً عاطفی

و هیجانی است نه جسمی. این خشونت‌ها شاید آسیب بدنی به طرف مقابل نرساند اما بی تردید بر روان آن تاثیر منفی زیادی میگذارد که کل مسیر زندگی او را منحیث یک فرد سالم جامع تحت الشعاع قرار میدهد. به این معنی که خشونت‌های عاطفی باعث سردرگمی زیاد فرد می‌شود زیرا نامحسوس، زیرکانه و مودیانه رخ دهد. مردم اغلب متوجه آن نمیشوند، مهم نیست که قربانی چقدر هوشمند، توانا و خود آگاه باشد.

مفهوم تحمل اجتماعی

تحمل اجتماعی یک اصطلاح توصیفی بوده که عبارت از گرایش‌های اجتماعی یا رفتار یک فرد است که در مقابل ناپردباری قرار دارد، تحمل اجتماعی توانایی یا عمل به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به اندیشه، اعمال و رفتار دیگران است. بدون شک زندگی اجتماعی اتفاق نمی‌افتاد و دوام نمی‌بافت اگر افراد گرد هم آمده در یک مکان حاضر به تحمل گوناگونی‌های متعدد، پیچیده و حتی متضاد نمی‌شدند. تحمل اجتماعی نه تنها خوداری از ابراز احساس منفی به هر شخص یا هر چیز متفاوت با ایده‌ها و برداشت‌های کنشگر مرجع بوده، بلکه به این معنا است که تفاوت‌ها ضروری بوده و برای ارتقای کنشگر مرجع لازم‌اند. در حقیقت جوامعی‌ای که مبتنی بر همبستگی میکانیکی بودند و پیوند افراد به همدیگر مبتنی بر مشابهت‌های آنها بود، تحمل اجتماعی اگر چه لازم بود، ولی مسئله‌ای ایجاد نمیکرد. چرا که شدت بالای وجدان جمعی و تعصب، سبب می‌شد هر نوع گوناگونی در شیوه‌های زیست، تفکر و رفتار به طور طبیعی با واکنش‌های طبیعی شدید و خشن مواجه شود. با توجه به این موضوعات تحمل

اجتماعی اشاره به پذیرش آزادمنشانه رفتارها، اعتقادات و ارزش های دیگران دارد.

پیامدهای اجتماعی خشونت عاطفی

خشونت عاطفی یکی از گسترده ترین نوع تخطی های حقوق بشر- به شمار میرود. در بیشتر نقاط جهان خشونت های عاطفی به بهانه عرف و فرهنگ مورد تحمل و چشم پوشی قرار میگیرند. خشونت عاطفی پدیده جدیدی نیست، اما در این اواخر اجتماعات بیشتر از گذشته به این مشکل میپردازند و فعالیت های زیادی برای مبارزه با آن انجام میدهند. در اکثر ممالک جهان خشونت عاطفی یکی از مشکلات حاد اجتماعی است که سبب عدم تحمل اجتماعی میگردد. در واقع خشونت های عاطفی را کسانی اعمال میکنند که هنگام استفاده از آن احساس قدرت و مالکیت بر دیگران میکنند. علاوه بر آن، آنها راه حلی جز متصل شدن به آن را در ذهن نداشته و این پدیده زشت و منفور را یگانه راهکار و حلال مشکلات می پندارند. هر چند برخی از دانشمندان تفوق طلبی و برتری جویی انسان ها بر همدیگر را یک امر طبیعی دانسته و محرک خوبی برای پیشرفت و پیشبرد امور کاری انسان ها میدانند، اما اینکه این برتری جویی با خشونت همراه باشد طبیعی نیست، بلکه سبب عدم تحمل اجتماعی و سرد شدن روابط اجتماعی افراد میگردد و قربانبان این پدیده منفور خود را جدا از بدنه جامعه در نظر گرفته به انزوا گری روی می آورند. افسردگی، ترس، اضطراب، دلتنگی، مشکلات روانی چون متصل شدن به اعمال خشن رو آوردن به مواد مخدر و در نهایت خودکشی، همه این ها را می توان در افرادی که با خشونت

عاطفی و روانی روبرو اند مشاهده کرد. خشونت های فزیکمی ممکن باعث معیوبیت های جسمی و مشکلات روانی شوند اما خشونت های عاطفی باعث مفلوج شدن روان زنان ، خانواده و اجتماع می شوند. تأثیرات این اضرار دارز مدت نیز هستند چون اطفالی شاهد خشونت های عاطفی علیه والدین شان بوده اند به ندرت می توانند در آینده زندگی مشترک سالم داشته باشند. بناً وجود خشونت های عاطفی در یک جامعه سبب تخریب ساختار یک جامعه سالم میگردد.

بطور کوتاه تأثیرات خشونت های عاطفی عبارت اند از:

۱- احساس انزوا و دوری از خانواده و دوستان. در حقیقت اشخاصی که خشونت های عاطفی را بر شمار وا میدارند کوشش میکنند تا خانواده و دوستان را از شما دور و بیگانه کنند تا شما افراد حمایتگر کمی اطراف خود داشته باشید و آنها کنترل بیشتری روی شما داشته باشند.

۲- انتقادات دایمی و طعنه زدن. آزارگری های کلامی ، حرکت های ناسالمی می باشند که به هیچ عنوان امری عادی محسوب نمی شوند. در واقع این روشی است در جهت کاهش عزت نفس در شما ، آزار کلامی بر علاوه اینکه بخشی از خشونت عاطفی است ، خود به تنهایی یک نوع خشونت خانگی هم محسوب میشود.

۳- مورد تمسخر قرار دادن و مجبور کردن شما به پذیرش این که شما مشکلات را در خیال خود میسازید. شخصیت های سوء استفاده گر ، حقایق را انکار میکنند

و حافظه ی شما را به چالش می کشند ، موضوع گفتگو را تغییر میدهند و تجربه شما را کوچک و بی ارزش جلوه می دهند.

۴- علاقمند بودن برای مجازات شما. این راه دیگری برای کنترل فرد است. سوء استفاده گران ، از عشق ورزیدن خوداری می کنند تا به شما درس بدهند. کوشش میکنند تا همیشه افراد را مورد مجازات قرار داده و به نوعی آنها را تنبیه کنند.

در حقیقت تمام این نشانه ها اشاره به نوعی خشونت عاطفی دارند که فرد را بصورت آگاهانه و یا ناگاه تحت تاثیر قرار داده و سبب اختلال های روحی و روانی در فرد میگردد ، که مستقیماً بر عملکرد اجتماعی این اشخاص تاثیری سوء به جا می گذارد.

راه حل ها

با توجه به اینکه خشونت عاطفی پدیده جدیدی نیست و یکی از گسترده ترین نوع تخطی های حقوق بشری محسوب میشود ، برماست تا به سوی یک جامعه بهتر گام هایی هر چند ابتدایی را برداریم . طوریکه کثرت خشونت های فیزیکی نباید چشم ما را بر روی خشونت های عاطفی ببندد. به این لحاظ برخی راه حل ها را به منظور جلوگیری از این پدیده شوم را ارایه می نماییم:

1: عموماً به آن عوامل خشونت توجه میشود که به ساده گی فقر اقتصادی و شرایط ناگوار از عوامل عمده و اساسی پنداشته می شود. اما با کمی تامل می توان گفت که به این سادگی نیست. اگر قرار باشد که یکی از عوامل برجسته

شود ، می توان در پیوند با خشونت عاطفی به فقر فرهنگی اشاره کرد. مقابله با فقر فرهنگی یک جامعه به کار سامانمند و دراز مدت رسانه یی- فرهنگی نیاز دارد.

2: بازنگری قوانین در پرتو نگاه انسانی و عقلانی می تواند یکی از راه کار های مبارزه موثر با خشونت عاطفی باشد. قوانین باید خشونت عاطفی را به رسمیت بشناسد و مجازات سنگین تری برای آن را در نظر بگیرد

3: شامل کردن مضمونی تحت عنوان صحت روانی در سیستم آموزشی از سوی دولت ، تا اینکه دانش آموزان موضوعات مربوط به این پدیده محذب را بیاموزند و ما در آینده کمتر شاهد این مشکلات باشیم.

نتیجه گیری

خشونت عاطفی یک پدیده مضحک ، خطرناک و تاسف آور میباشد طوریکه وضعیت بسیاری از قربانیان خشونت های عاطفی بسیار درد ناک و غیر قابل تحمل می باشد. میلیون ها انسان در جهان قربانی خشونت های عاطفی میباشد که با توجه به انواع خشونت ، خشونت عاطفی به عنوان یک پدیده ناگوار بطور مستقیم و غیر مستقیم صحت روانی افراد یک جامعه را تحت شعاع قرار داده و سبب تضعیف روابط اجتماعی بین افراد میگردد. بناً به عنوان یک پدید شوم و خطرناک باید مورد شناسایی و کنترل قرار گرفته تا باشد یک جامعه سالم و دور از هر گونه خشونت داشته باشیم. بیایید همانقدر که با خشونت فیزیکی مبارزه می کنیم ، خشونت روانی و عاطفی را نیز تقبیح نموده در از بین بردن آن بکوشیم.

منابع

- 1- علی اصغر مهاجرانی ، پروین صیادی نژاد ، علی صیادی نژاد ، (۱۳۹۸) ، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با خشونت عاطفی در خانواده با تاکید بر سرمایه اجتماعی ، فصلنامه علوم اجتماعی ، سال نهم شماره ۴
- 2- علی امیری-ملیکا رئیسی (۱۳۹۴ ش) خشونت خانگی و پیامدهای آن ،

سازمان مددکار

<http://www.madadkar.org/prevention-of-social-damage/domestic-violence-and-its-consequences.html>

- 3- نسیمه همدرد (۱۳۹۶ ش) خشونت عاطفی؛ بخش عمده کوه یخ زیر آب ، صدای زنان برای تغییر .
خشونت عاطفی-بخش-عمده-کوه-یخ-زیر-آب/ www.awana.af/1396/06/20
- 1- خشونت عاطفی چیست؟ ، (۲۵ سرطان ۱۳۹۵ ش) ، گرفته شده از سایت www.salamatnews.com

تعارض اجتماعی چگونه باعث عدم تحمل اجتماع می گردد و چه راه کارها

باعث بهبود وضعیت میشود؟

(بالگوی تعارض در سازمان)

مسعوده کریم

پوهنخی حقوق و علوم سیاسی

پوهنتون بدخشان

چکیده

واژه تعارض از جمله مفاهیمی است که معانی متفاوتی از آن مستفاد میشود در فرهنگ لغت فارسی تعارض به معنی مزاحم یکدیگر شدن، باهم خلاف کردن و اختلاف داشتن است. تعارض نوعی رفتار بین گروه های سازمانی تعریف میشود.

تعارض یک کشمکش واضح حداقل مابین دو طرف وابسته به هم است که اهداف، ارزش ها و یا اعتقادات ناسازگار از آن درک میشود. نهایتا تعارض وضعیت اجتماعی است که در آن دو یا چند نفر در باره موضوعات اساسی مربوط به سازمان باهم توافق ندارند یا نسبت به یکدیگر قدری خصومت اساسی نشان میدهند. یک نوع تعارض برخورد و مخالفت گروه های کاری یا بخش های مختلف سازمان بایکدیگر است که میتوانند زمینه بنیادی یا احساسی داشته باشد و هماهنگی فعالیت های کاری را دشوار میسازد این تعارض رایج ترین آن در سطح سازمانهاست که گاهی بسیار شدید، کاهنده انرژی و پرهزینه است.

هدایت آن برای مدیران مشکل است زیرا ممکن است مدیر خود به یکی از گروه های در حال تعارض تعلق داشته باشد عوامل ایجاد تعارض اجتماعی شامل عوامل جمعی (تخصص گرایی، وابسته گی کارها با یکدیگر، منابع مشترک، هدفهای متفاوت، سلسله مراتب اختیارات و ابهام در مسولیت و پاسخگویی) و عوامل فردی (اخلاق شخص، شخصیت، ارزش ها، محدودیت ادراک، موانع ارتباطی و تفاوت در شناخت) است.

تعارض اجتماعی پدیده است که آثار مثبت و منفی بر روی عملکرد افراد در سازمان ها دارد. تعیین مرز تعارض سازنده و مخرب مشکل و مبهم است هیچ تعارضی را در هیچ سطحی نمیتوان به عنوان تعارض مقبول یا نامقبول برای همه شرایط پذیرفت. تعارض که برای یک گروه نتایج سازنده مثبت به دنبال دارد چه بسا برای گروه دیگر یا همان گروه در زمان دیگر عواقب زیانبار بوجود آورد. پس زمانی که تعارض درست مدیریت نشد باعث عدم تحمل اجتماع می گردد و بخاطری بهبود وضعیت تعارض را باید در سازمان پدیده طبیعی دانست، نسبت به پدیده تعارض و جوانب آن و شیوه های مختلف کنترل و حل آن آگاهی کامل داشت، موقعیت و شرایط تعارض را باید بررسی کرد، درانتخاب شیوه برخورد عاقلانه با تعارض مدیران باید اجازه ندهند تا اختلاف نظر بین کارکنان و گروه ها بسیار شدید شود و در جستجوی راه حل های مختلف برای حل تعارض باشند.

واژه های کلیدی: تعارض، تعارض اجتماعی، اجتماع، مذاکره، میانجیگری و داوری.

تعارض یکی از جنبه های غیر قابل اجتناب زندگی مدرن است . شواهد ومدارک بسیاری نشان داده اند که ما اغلب درمدیریت وکنترل تعارضات و همچنین ابراز واکنش موثر نسبت به پدیده ی تغییر باشکست مواجه می شویم. میزان بالای طلاق، نمونه های ناامید کننده ای از سوء استفاده های جنسی و فیزیکی از کودکان، شکست های پرهزینه حاصل از مخاطرات بین المللی و جنگ های خونین نژادی ما را متقاعد می نماید که که توانایی های لازم راجهت سازگاری در مواجهه با تعارضات پیچیده ی میان فردی، سازمانی و جهانی نداریم.

طبیعی است تغییرات موجب پیدایش تعارضات هم شده و تعارض تغییر را به وجود می آورد. دلایل بروز تعارض اجتماعی اختلافات شخصی، اختلافات ساختاری و اختلافات ارتباطی است. کم بودن ظرفیت تحمل در افراد مختلف در حقیقت نمایش دغدغه ها و نگرانی ها درونی افراد در حوزه های مختلف است که متأسفانه به علل متعدد در افراد مختلف با آستانه تحمل متفاوت آشکار شده و زمینه بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی و خانوادگی را ایجاد می کند.

زمانی که تعارض اجتماعی باعث عدم تحمل اجتماع شد مسئله مهم مدیریت تعارض است و آن هم شیوه های است که در مواجهه با تعارض عمل میشود مذاکره، داوری ومیانجیگری از راه کارها جهت بهبود وضعیت است . مقاله حاضر را که در رابطه به تعارض اجتماعی چگونه باعث عدم تحمل اجتماع می گردد و چه

راهکارها برای بهبود وضعیت در نظر گرفته شود تحریر نموده ام امیدمفیدواقع شود.

سوال اصلی تحقیق:

تعارض اجتماعی چگونه باعث عدم تحمل اجتماع میگردد و چه راه کارها باعث بهبود وضعیت میشود؟

سوالات فرعی تحقیق :

- تعارض اجتماعی همیشه آثار منفی دارد یا خیر؟
- آیا می توان تعارض اجتماعی را مدیریت کرد

تعارض

در فرهنگ لغت فارسی تعارض به معنی متعارض و مزاحم یکدیگر شدن است یا با هم اختلاف داشتن. به طور کلی تعارض زمانی رخ می دهد که در یک وضعیت اجتماعی بر سر مسائل اساسی عدم توافق وجود دارد و یا ضدیت های احساسی باعث ایجاد اصطکاک بین افراد شود

به عقیده استیفن رابینز کوتاه ترین تعریف از تعارض، عدم توافق بین دو یا چند گروه است. وی تعارض را فرایندی می داند که شخص الف در آن به طور عمدی می کوشد تا به گونه ای بازدارنده سبب ناکامی شخص ب در رسیدن به علایق و اهدافش شود.

تقسیم بندی تعارضات

سازمانی

نوعی از تقسیم بندی های تعارض بر اساس طرف های تعارض در سازمان می باشد که براین اساس 7 نوع تعارض وجود دارد که عبارتند از:

درون فردی، میان فردی، درون گروهی، میان گروهی، درون سازمانی، میان سازمانی و میان فرهنگی.

۱. **تعارض درون فردی:** این نوع تعارض در درون فرد اتفاق می افتد و زمانی رخ می دهد که فرد در جهت رسیدن به اهداف به مانعی برخورد کند. نوع دیگر تعارض درون فردی تعارض در هدف است که به سه صورت است:

الف) تعارض خواست؛ فرد تلاش می کند از بین دو هدف مطلوب یکی را انتخاب کند، به عنوان مثال انتخاب بین دو شغل در دو سازمان معتبر.

ب) تعارض اجتناب-اجتناب؛ فرد تلاش می کند از بین دو گزینه یا بیشتر که دارای پیامدهای منفی یکسان هستند یکی را انتخاب کند. مانند فردی که برای رهایی از بیکاری باید از بین دو شغلی که مطلوب نیستند یکی را انتخاب کند.

ج) تعارض خواست - اجتناب؛ فرد باید در مورد انجام دادن کاری تصمیم بگیرد که هم جنبه های مثبت و هم جنبه های منفی دارد، مانند قبول پیشنهاد یک کار خوب در یک موقعیت بد.

۲. **تعارض میان فردی:** بین دو یا چند فرد رخ می‌دهد که دارای ارزشها، آرزوها، سبکهای ارتباطی و دیدگاههای متفاوت هستند. از جمله نشانه‌های تعارضات بین افراد، صحبت نکردن همکاران با یکدیگر و اعتنانکردن به یکدیگر، بدگویی یکدیگر، رد کردن و آگاهانه به تضعیف یکدیگر پرداختن است.

۳. **تعارض درون گروهی:** شامل برخورد بین برخی یا تمام اعضای گروه است که غالباً بر فرایند و اثربخشی گروه تأثیر دارند.

۴. **تعارض میان گروهی:** از آنجا که گروهها میل دارند خود را برتر از گروههای دیگر بدانند این امر موجب تعارض می‌شود.

۵. **تعارض درون سازمانی:** تعارض در سازمان ها رایج است.

۶. **تعارض میان سازمانی:** تعارضی را که میان دو یا چند سازمان رخ می‌دهد را تعارض میان سازمانی گویند. تعارض میان سازمانی به عنوان رقابت میان سازمان هایی که در يك بازار فعالیت می‌کنند تلقی می‌شود.

۷. **تعارض میان فرهنگی:** تعارض میان فرهنگی، بالقوه، به دلیل مفروضات متفاوت درباره ی چگونه اندیشیدن و عمل کردن هم ناگهانی و هم عظیم است. موفقیت یا شکست مبادله های میان فرهنگی، اغلب به اجتناب یا به حداقل رساندن تعارض واقعی یا ادراک شده بستگی دارد.

بررسی تعارض در میان یکی از سازمان های کشور

از میان سازمان ها در کشور اگر وزارت کار و امور اجتماعی را در نظر بگیریم برخورد مخالفت میان گروه ها یا تیم های کاری بخش سازمان بایکدیگر را تعارض میان گروهی میگویند که بسیار معمول و گاهی بسیار شدید است می تواند کاهش دهنده انرژی کاری باشد. در شرایط سخت رقابت و تعارض طرفین میتواند باعث عدم اعتماد به یکدیگر شود که نمونه آن عدم کارایی جوانان در افغانستان است.

چهار نوع تعارض در میان سازمان وجود دارد

تعارض افقی: تعارض بین واحدها یا بخش های کار مختلف در سازمان است این تعارض زمانی بروز میکند که هر تیم فقط برای بدست آوردن هدف خود کار میکند و بخش های دیگر را نادیده می گیرند. همین ناسازگاری میان اهداف و منفعت طلبی شخصی باعث بوجود آمدن تعارض ها و تشدید مخالفت ها میشود عدم هماهنگی در سازمان های اجتماعی در کشور را مثال آورد.

تعارض عمودی: تعارض بین رده های مختلف سازمان است یعنی تعارض در میان کارکنان در سطح مختلف سازمان در این نوع تعارض سرپرستان می کوشند کنترل شدید بر کارکنان اعمال کنند و کارکنان از خود مقاومت نشان میدهند و تعارض بروز میکند که نمونه آن شرایط سخت کاروکاریابی و شغل در کشور است.

تعارض در ستاد: این نوع تضاد بیشتر بالای اختیارات صورت میگیرد و مدیران کوشش می کنند بعضی اختیارات خود را به دیگران اعمال کنند که باعث تعارض میان سران یک سازمان میگردد و هرکس میخواهد بوسیله پول و قدرت اختیارات

خود را بالا ببرد. احساس خدمت و کار از بین میرود که نمونه آن در سطح سازمان های کشور دیده میشود و باعث شده است افراد بی بضاعت و بی کار و بی سرنوشت بمانند.

تعارض مبتنی بر تنوع: این تعارض ممکن است به دلیل تنوع مولفه های فرهنگ نژاد جنسیت و مذهب بروز نماید و در افغانستان به وضاحت دیده میشود. بطور مثال تعارض کاریابی میان پشتون ها تاجک ها و ازبیک ها.

دلایل بروز تعارض اجتماعی به سه دسته تقسیم میشود

۱- اختلافات شخصی (اخلاق شخصی، ویژگی های شخصیتی، ارزشها، محدودیت ها و تفاوت در ادراک، موانع ارتباطی، محدودیت و تفاوت در شناخت)

۲- اختلافات ساختاری (تخصص گرایی، وابسته گی کارها با یکدیگر، منابع مشترک و محدود، هدفهای مشترک، سلسله مراتب اختیارات، تفاوت زیاد بین مشاغل، ابهام در مسولیت پاسخگویی)

۳- اختلافات ارتباطی

پیامدهای تعارض اجتماعی (ره آوردها)

تاثیر متقابل رفتار تعارض آمیز پیامدهایی در بر دارد. ممکن است این پیامدها به پیشرفت عملکرد گروهی انجامیده و یا برعکس مانع پیشرفت عملکرد گروهی شوند که آن را به ترتیب نتایج سازنده (تعارض کارکردی) و نتایج ویرانگر (تعارض غیر کارکردی) می نامیم.

نتایج سازنده یا تعارض اجتماعی کارکردی

تصور وضعیتی که تعارض آشکار بتواند کارکردی باشد دشوار است. ولی چه بسیار است مواردی که موجب بهبود عملکرد گروهی می شود. تعارض زمانی سازنده است که کیفیت تصمیم گیری را افزایش دهد، خلاقیت فردی را تحریک نماید، کنجکاوی را تشویق کرده و وسیله ای فراهم سازد که به کمک آن بتوان مسائل را بازگو و تنش را از بین برد. تعارض با اجازه دادن به رعایت همه نکات در تصمیم گیری موجب افزایش کیفیت تصمیم گیری می شود. تعارض به گروه اجازه نمی دهد که به گونه ای انفعالی به تصمیم گیری های که چه بسا بر مفروضات سست و دقت و تامل ناکافی استوار است، بپردازد. تعارض با وضع موجود به مبارزه برخاسته و از این رو آفرینش نظریات جدید را قوت می بخشد. تعارض بررسی مجدد فعالیت و اهداف گروه را بهبود بخشیده و امکان پاسخگویی گروه را در امر تغییر افزایش می دهد.

نتایج ویرانگری تعارض اجتماعی غیر کارکردی

عواقب منفی تعارض بر عملکرد گروه و یا سازمان بسیار شناخته شده است. می توان به صورت خلاصه گفت مخالفت مهار نشده ایجاد نارضایتی می کند و سبب می شود دلبستگی های مشترک از بین رفته و در نتیجه گروه از هم بگسلد. از جمله نتایج نامطلوب تعارض غیر کارکردی در گروه کند کردن ارتباط و کاهش همبستگی گروهی، کم ارزش شدن اهداف گروه و در مقابل در اولویت قرار دادن نزاع میان اعضاء است. هر قدر کار تصمیم گیری گروهی خلاق تر و بدون برنامه ریزی باشد، احتمال سازنده بودن تعارض داخلی بیشتر است. گروه هایی که در

رویارویی با مشکلات نیاز به شیوه های تازه دارند از گروه هایی که فعالیت شان برنامه ریزی شده است، از تعارض کارکردی بیشتری سود می برند.

تعارض اجتماعی وعدم تحمل اجتماع

زمانی که تعارض اجتماعی باعث هدر رفتن وقت و انرژی، بروز نارضایتی، کاهش اثر بخشی گروه اجتماعی، فراموش کردن هدف اصلی، قضاوت نادرست افراد از همدیگر، ضعیف شدن هماهنگی و وجود اختلاف در جامعه شود عدم تحمل اجتماع به وقوع می پیوندد. و همچنان زمانی که تعارض غیر کارکردی بوده و درست مدیریت نشود.

و سر انجام اینکه از نتایج تعارض اجتماعی عده بازنده هم دارد افراد بازنده ازهم فرار میکنند و اجتماع بجای یکپارچه شدن متلاشی می گردد.

راهکارها برای بهبود وضعیت

زمانی که تعارض اجتماعی باعث عدم تحمل اجتماع شد مسله مهم مدیریت تعارض است و آن هم شیوه های است که در مواجهه با تعارض عمل میشود. در هنگام مواجهه با تعارض اولین و مهمترین اقدام تجزیه و تحلیل تعارض است، پس از تجزیه و تحلیل تعارض باید به حل آن پرداخت. بدین منظور روش های مختلفی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. **مذاکره:** مذاکره یا چانه زدن فرآیندی است که در آن دوگروه یا دو طرف کالا یا خدماتی را مبادله می کنند و هریک می کوشد تا منافع خود را تأمین کند. مراحل

مذاکره (تدارک و برنامه ریزی، تدوین مقررات، توضیح و توجیه، بحث و ارائه ی راه حل و تنظیم توافق نامه)

۲. میانجیگری: یکی دیگر از راهبرد های مدیریت تعارض فرآیند میانجیگری است. در این روش، شخص ثالث بی طرف به عنوان میانجی سعی می کند که به طرفین در یافتن راه حلی برای حل مشکلات کمک کند.

۳. داوری: اگر در فرایند میانجیگری طرفین قادر نباشند که از طریق میانجیگری به راه حلی برسند، آنگاه میانجی گری تبدیل به داوری می شود و فرایند میانجیگری به داوری تغییر می یابد و این شخص ثالث بی طرف است که راه حل ارائه می دهد.

۴. اجازه دادن به افراد جهت اظهار نظر آشکار و علنی

۵. اشتراک مساعی (مد نظر قراردادن اهداف مشترک)

۶. جتناب از انتقاد اعضای گروه در انتظار عموم و به صورت آشکارا

۷. ملایم و منصفانه برخورد کردن با گروه و داوری منصفانه

۸. سبب به پدیده تعارض اجتماعی و جوانب آن شیوه های مختلف کنترل و حل آن باید آمادگی کامل داشت.

۹. در انتخاب شیوه برخورد با تعارض باید عادلانه رفتار کرد.

۱۰. نباید اجازه داد تا اختلاف نظر میان اعضای اجتماع بسیار شدید شود.
۱۱. در جستجوی راه حل های مختلف برای حل تعارض بود.
۱۲. برگزاری دوره آموزشی برای اعضای اجتماع و اطلاع رسانی درست و دقیق

نتیجه گیری

تعارض جز جدایی ناپذیر زندگی انسان است. زندگی اجتماعی، سازمانی و فردی همواره با نیروها و کشش های متضاد همراه بوده است تعارض پدیده است که آثار مثبت و منفی بر روی عملکرد افراد دارد. افراد دارای شیوه های ارتباطی، آرزوها، دیدگاه های سیاسی و مذهبی و نیز پیش زمینه های متفاوت هستند. در جوامع مختلف وجود این گونه تفاوت ها منجر به ایجاد تعارض بین افراد و گروه ها میشود مدیریت تعارض یکی از مهارتهای اساسی رهبری در قرن جدید محسوب میشود. یکی از انواع تعارض اجتماعی است زمانی که تعارض اجتماعی باعث هدر رفتن وقت و انرژی، بروز نارضایتی، کاهش اثر بخشی گروه اجتماعی، فراموش کردن هدف اصلی، قضاوت نادرست افراد از همدیگر، ضعیف شدن هماهنگی و وجود اختلاف در جامعه شود عدم تحمل اجتماع به وقوع می پیوندد. و همچنان زمانی که تعارض غیر کارکردی بوده و درست مدیریت نشود. برعکس تصور منفی که در زمینه تعارض وجود دارد، تعارض ضرورتا امری منفی نیست بلکه حد متوسطی از آن می تواند موجب بالا بردن سطح عملکرد شود. آنچه در زمینه تعارض اهمیت دارد، نحوه رویارویی و مواجهه با آن است علاوه بر این در حل تعارض، ابتدا باید به تجزیه و تحلیل آن پرداخت سپس از فنون

مختلف که در این زمینه وجود دارد از قبیل مذاکره، میانجیگری و داوری و مانند آن برای حل تعارض استفاده کرد.

منابع

۱. رضائیان علی، "مدیریت تعارض و مذاکره"، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، ۱۳۸۲

۲. میرکمالی سید محمد، "مدیریت تعارض"، مجله ی دانش مدیریت، تهران، شماره ی ۱۹، ۱۳۷۱، صص ۴۷-۴۸

۳. جهاننیده کاظم پورمهرداد، "تعارض سازمانی"، روزنامه ی همشهری، ۱۳۸۴، (library.tebyan.net)

دلایل اختلافات بین اساتید و دانشجویان و راه‌های حل آن

سید سلیمان عثمان

پوهنخی علوم سیاسی

پوهنتون نخبگان

چکیده

رابطه استاد با شاگرد یک رابطه بسیار تاثیرگذار و عمیق است، این رابطه اگر بر مبنای اصول صحیح برقرار نشود، صمیمانه و ثمر بخش نخواهد بود. در ضمن استاد و شاگرد ارکان اساسی تعلیم و تحصیل هستند و استاد بهترین الگو برای شاگرد، در واقع پدر و مادر معنوی انسان و در نهایت هادی و رهنمای شاگرد می باشد. در این نوشتار مختصر- قصد بر آن است تا پیرامون "چرایی" رفتار زشت میان استاد و شاگرد، دلیل عدم تحمل و همدیگر پذیری میان ایشان و همچنان "چگونگی" بهبود این رابطه مطالعه صورت گیرد. در این مقاله مختصراً معرفی جایگاه استاد و دانشجو، دلایل عدم تحمل و راه های برای بهبودی شرایط میان شاگرد و استاد در نظر گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: استاد، دانشجو، اختلاف نظر، برنامه های *Exchange*.

طرح مسأله

در تمام کشور های جهان منازعات و مشاجرات بین استاد و محصل در دانشگاه ها و بین استاد و شاگرد در مکاتب وجود داشته که در هر کشور سطح و مقیاس به خصوص خود را دارا میباشد. همینطور در افغانستان هم این چالش وجود داشته که باعث یک سلسله اثرات منفی برای رشد افغانستان—خصوصا در زمینه تحصیلی و تعلیمی شده است. از آنجاییکه آموزش و آموختن پیشینه برابر با زیست انسان در جهان هستی دارد بناء جوامع بشری باید در فضای دور از اختلاف تحصیلات خود را ادامه دهند و اساتید همچنان بدون مشکلات به تدریس دانشجویان بپردازند. با رهیافت دقیقتر جهت ادامه تحصیل و تدریس ضرورت به یک فرهنگ هم پذیری، مدیریت عالی، شور و شوق برای تدریس و آموختن است.

با نهایت تاسف در حال حاضر در افغانستان عدم تحمل بین اساتید و دانشجویان بیشتر از هر کشور دیگر قابل ملاحظه بوده همچنان این امر باعث شده تا افغانستان از جمله کشور های باشد که از لحاظ کیفیت درسی در رده های اخیر جدول های مربوطه قرار داشته باشد. برای بهتر شدن این وضعیت در افغانستان اقدام پیگیرانه و نتیجه بخش کمتر به نظر رسیده است. تدریس درست و آموزش بهتر که خواسته های اساسی هر کشوری بوده اتاق های فکر، نهاد های اکادمیک و سایر نهاد های مربوطه میکانیزم دقیق را برای مردم جهت بلند بردن اطلاعات شان نسبت به بهبودی آن اریله نکرده اند. بناء لازم است تا تحقیق دقیق و

مسنجم پیرامون علت و معلول این موضوع صورت گیرد تا ابعاد گنگ این مسئله واضح ساخته شود و افقی را برای محققین در آینده گشاید.

فلهذا این نوشته به سوالات ذیل پاسخ میدهد:

۱. آیا تمامی اساتید اصول و ارزش ها را در نظر می گیرند؟

۲. آیا شاگردان به مکلفیت های وظیفوی خود آگاه هستند؟

۳. علت این اختلافات بین اساتید و دانشجویان چی است؟

۴. چگونه میتوان اختلافات بین اساتید و دانشجویان را از بین برد؟

بنظر میرسد که نبود فرهنگ هم پذیری، عدم درک درست جانبین و توجه ضعیف دولت به عالمین دامن زدن این اختلافات نقش کارا داشته اند.

مقاله هذا از آن جهت حایز اهمیت میباشد، که افغانستان در این عرصه در رکود بوده و پیامد آن اینست که سواد و دانش در سطح پایین بناء برای حل این موضوع باید تلاش صورت گیرد. بناء باید دولت اساتید، دانشجویان و ارکان های ذیدخل به بهتر شدن اوضاع تلاش نمایند.

برای تحریر مقال اطلاعات و داده های مورد نظر بشیوه کتابخانه یی جمع آوری گردیده است و روش تجزیه و تحلیل معلومات توصیفی می باشد.

عمده ترین محدودیت ها و چالش های تحقیق حاضر نبود منابع کافی همچون کتب، مقالات، مجلات...، نداشتن زمان و فرصت لازم برای مطالعه بیشتر میباشد.

برآیند این کار مقاله در قالب یک رساله واحد بود که ساختار آن به ترتیب چکیده، واژگان کلیدی، مقدمه (طرح تحقیق)، بدنه (متن اصل تحقیق)، نتیجه گیری و فهرست منابع است.

تعاریف و مفاهیم (مبانی نظری)

✓ **استاد** : آموزگار، معلم، حاذق، ماهر و با مهارت. (معین، ۱۳۸۶: ذیل واژه استاد)

✓ **دانشجو** : جوینده علم و دانش، طالب علم و شاگرد دانشگاه. (عمید، ۱۳۸۸: ذیل واژه دانشجو)

✓ **دانشگاه** : دانشگه، محل دانش، جای دانش و جای علم. (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه دانشگاه)

✓ **برنامه های Exchange** : برنامه های کوتاه مدت یا دراز مدت بوده، که بواسطه دولت های همان کشور و یا به همکاری دیگر کشور یک قشر خاص جامعه را انتخاب نموده، مهارت های اساسی را که مربوط آنها میشود را می آموزاند. (Persian Dictionary)

معرفی جایگاه استاد و دانشجو

اساتید چراغی هستند که نور دانش را به نسل های آینده انتقال میدهند، بعنوان یک معماران جامعه در رفاه و پیشرفت جامعه نقش مهمی را ایفا میکنند. که برای بر آورده شدن این مأمول باید یک سلسله اصول و ارزش ها را مد نظر بگیرند. که عبارتند از : دفاع از فرهنگ جامعه، آبادانی اذهان نسل جدید، آموزاندن دانش مربوط رشته خود... که بسیاری اساتید بر این اصول و ارزش ها به وجه حسن توجه ندارند.

دانشجویان (شاگردان) خشت های تهداب رفاه و ترقی یک جامعه بشمار میروند. زیرا اندوخته های علمی اساتید خود را با ازدیاد اندوخته ها و مهارت های خودی برای نسل بعد به میراث میگذارند. فلهدا شاگردان در زمان شاگردی باید یک سلسله موضوعات از قبیل : توجه حتمی به دروس، سهم فعال داشتن در فعالیت های صنفی، دانستن جایگاه خود و استاد، احترام به اساتید مراعات کنند ... اما با تاسف که در بسیار اوقات افراد کمتری را با این خصایص میتوان یافت.

دلایل اختلافات و راههای حل آن

در افغانستان، دلیل عمده که باعث این تشنج ها شده، شرایط ناگوار امنیتی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بوده، اما دلایل که مستقیم مربوط استاد و محصل یا معلم میشود؛ از این قرار است: شیوه تدریس نامناسب اساتید و نداشتن مهارت استادی، درک نا درست جانبین، پالیسی درسی استاد و مقررات دانشگاه یا مکتب. عدم اعتنای شاگرد به استاد و معلم شیوه تدریس نامناسب اساتید و نداشتن مهارت استادی عامل عمده در ایجاد روحیه صمیمیت و احترام میان استاد و شاگرد است بعضی اساتید شیوه تدریس درست ندارند که سبب آن

می شود تا استعداد ها و ظرفیت علمی - تربیتی شاگردان بصورت درست انکشاف نه کند و سطح اندوخته علمی شان بصورت متناسب بلند نه رود. از اینکه بعضی از استادان بیشتر اوقات خود را بر محور درس شاگردان لایق عیار می سازند و در مورد یادگیری شاگردان که نسبتاً ضعیف هستند بی توجه بوده، در مقابل با سخنان طعنه آمیز باعث خدشه دار شدن شخصیت شاگرد در صنف شده و سبب عکس العمل منفی یا غیر مترقبه شاگرد میشوند. (Sertkaya, Sep 2016)

همچنان از روش سرزنش غلط از قبیل غیر حاضر نمودن و ناکام ساختن شاگردان که باعث بدتر ساختن اوضاع میشود؛ استفاده میکنند. افزون بر آن، بعضی اساتید با نداشتن مهارت کنترل صنف، سهمیم ساختن تمام شاگردان در درس، نداشتن ظرفیت تدریس و از قبیل را مهارت ها باعث کاهش سطح انگیزه شاگردان میشوند، و فرصت برای شاگردان مهیا می سازند که بر علیه اساتید پرخاشگری کنند. فلهمذا راه حل درست و بنیادی در مورد این موضوع عبارتند از : سهم دادن اساتید در برنامه های آموزشی روش تدریس در ممالک خارجی که دارنده میتود های استندرد و بروز باند. یعنی اساتید در برنامه ها، از روش تدریس و مهارت های استادی به شکل نظری و عملی آگاهی حاصل نمایند تا الگو خوب برای محصلین باشند. همچنان ارائه سمینار ها از طرف اساتید با تجربه و مجرب برای بلند بردن ظرفیت اساتید از جمله راه کار های حل این چالش در مکاتب و دانشگاه ها میباشد. (شعبانی، ۱۳۸۲: ص ۳۵-۴۲)

غلط فهمی و عدم مراعات جانبین از حقوق و مکلفیت های هر دو طرف از جمله چالش اساسی دیگر در دانشگاه ها و مکاتب بوده. بعضاً اساتید نمی فهمند که

چی مکلفیت های را در قبال شاگردان دارند. بلکه همیشه اسرار بالای مکلفیت های شاگردان دارند. این چنین از شاگردان میخواهند که همیشه آن ها را احترام کنند، به سخنان غیر ضروری آنها گوش بدهند، سوالات در مورد موضوعات که استاد خوش ندارد ابراز نمایند. در پهلوی آن این اساتید از روش استبدادی که باعث ترس شاگردان میشود استفاده میکنند. همینطور بعضی از شاگردان خودکامه که بعضاً شیفت استعداد خود و یا هم مال و دارایی پدر خود هستند؛ که اساتید را مثل یک خدمت کار مینگردند نه بحیث یک رهنما. در پهلوی این دو نوع شاگردان متذکره، شاگردان دیگری نیز که تربیه و اخلاق ضعیف داشته نیز باعث تشنج در صنف میشوند. راه حل این موضوع آگاهی رسانی اساتید و شاگردان در مورد مکلفیت و حقوق شان، نظارت رهبری اداری از حالات شاگردان و استادان در صنف است کوشش به اصلاح شاگردان و اشتراک شان در برنامه های Exchange، در جریان گذاشتن فامیل های شاگردان از رفتار پسران و دختران شان و ترویج فرهنگ هم پذیری خیلی ها مهم بوده به حل مشکلات کمک می نماید. (Brigita, Ciuladiene, 2017 : p 46-82)

پالیسی درسی استاد و دانشگاه یا مکتب که به این خصومت ها بین شاگرد و استاد مزید میبخشد. یکی مشکلات دیگر است. چون بعضی استاد ها پالیسی درسی درست ندارند، یا جدی نمی گیرند و یا هم شاگردان درست نمی فهمند. زمانیکه پالیسی درسی استاد طبق برنامه نبوده و از پالیسی رسمی عدول می نماید شاگردان به شکایات و مشاجرات میپردازند. همینطور بعضی شاگردان که در صنف به اذیت استادان و شاگردان می پردازند. در این صورت اداره و استاد

بنابر لزوم دید خود برای شاگرد جزا تعیین میکند. فلذا شاگردان یا با اداره اما بیشتر با استاد خصومت میگیرند زیرا دلیل اصلی را شکایت استاد میدانند.

رهیافت درست برای حل این مشکل آنست که باید چیزهای اساسی را اساسی بشماریم و پابند آن باشیم. استادان باید پالیسی درسی داشته و آن را نظر به تقسیمات عملی نمایند. همچنان پالیسی اداره برای دانشجویان در اول سال تعلیمی یا تحصیلی به درستی فهمانده شود، که در آینده مشکل به بار نیورد. (میلردبلیوآر، امیری، ۱۳۹۰: ص ۹۱-۹۹)

نتیجه گیری

در کل دلیل عمده و اصلی که فضای آموزشی را به هر دو طرف تنگ می‌سازد، استاد با شاگرد برخورد زشت میکند و شاگرد نمیتواند استاد را تحمل کند این است که دانایی و آگاهی کامل از جایگاه یکدیگر نه دارند. استاد و شاگرد باید هر دو صلاحیت، مسئولیت و محدودیت های خود را بشناسند. وقتی استاد به معنای واقعی کلمه استاد باشد، وقتی "گفتار نیک و کردار نیک" را که لازمه و شایسته یک مدرس است، ملاک رفتار خود قرار دهد و وقتی درک کند که بهترین و بزرگترین الگوی شاگردانش است، دیگر دلیلی برای مشاجره و مناظره باقی نخواهد ماند. و همینطور شاگرد، شاگردی خود را درک کند آداب صنف را دانسته در عمل پیاده کند و از هر کسی که یک کلمه آموخت او را مولای خود بداند بعید است چشم چپ به مولای خود نگاه کند چه برسد به اینکه زبان بازی و بی احترامی نماید. نکته اینجاست که هر دو گروه باید به درک منزلت و مقام خود برسند و از حد خود نگذرند زیرا "هر چه از حد بگذرد رسوا شود."

در آخر، در زمره همه مشکلات نبود هماهنگی میان شاگرد و استاد در افغانستان یک چالش خیلی ها جدی بشمار میروند، که این مشکل ریشه مشکلات دیگر نیز می شود. هر چند شرایط افغانستان یک سلسله اوضاع را وخیم تر ساخته. اما سهم دادن اساتید در برنامه های مختلف در خارج و داخل کشور، ارائه سمینار ها جهت بلند بردن ظرفیت استاد، ترویج فرهنگ هم پذیری، سهم دادن دانشجویان و محصلین در برنامه های Exchange، ارائه سمینار برای دانشجویان، نظارت هیئت ها از تدریس اساتید و برخورد شاگردان، در جریان گذاشتن فامیل شاگردان از حال و اوضاع پسران یا دختران شان، داشتن پالیسی درسی مناسب و عملی کردن آن توسط اساتید و آگاهی دهی دانشجویان در مورد پالیسی اداره توسط اداره از راهکار های موثر این مسیله بوده می تواند.

منابع

۱. معین، داکتر محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد دوم، تهران، انتشارات نامن، ۱۳۸۶.
۲. عمید، داکتر حسن، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران، انتشارات فرهنگ نما، 1388.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، جلد دهم، موسسه انتشارات دانشگاه تهران، 1377.
۴. شعبانی، حسن، مهارت های آموزش و پرورش تهران، انتشارات سمت، 1382.

۵. میلردبلیوآر، راهنمای تدریس در دانشگاه ها، ترجمه:وید امیری، تهران، انتشارات سمت، 1390.

Sertkaya, Vildan, A Master's Thesis, Ihsan Dogramaci Bilkent
.University Ankara, Sep 2016

Ciuladiene, Grazina, Brigita, Kairiene, The Resolution of Conflict
between Teacher and Student: Studentsi Narratives, Mykolas
Romeris University, Lithuania, 2017

د کار نشتوالی څنگه د ټولنيز زغم د نه شتون سبب کيږي؟

فضل الله فضلی

د کندهار پوهنتون

د ژورناليزم پوهنځی

د څيړنی پيژندنه

ددې څېړني عنوان پوښتنيز او د کار د نه شتون په اړه دی، چي دا څېړنه هم په دې اړه سوې او ليکنه يې د کار د نه شته والي په صورت کي د ټولنيز زغم نه شتون په اړه هم مهم بحث سوئ دی.

کار د انسان طبيعي حق دی، او هر انسان ته په کار ده، چي د کار او بار له لاري خپل ژوند مخ ته بوځي او د ژوند لپاره خوراکي، دفاعي او نور هغه توکي برابر او جوړ کړي، چي په ورځني ژوند کي ورڅخه استفاده کيږي.

دا څېړنه په کندهار ولايت کي سوې، چي د کار په نه موجوديت کي د کندهار د خلگو پر ژوند څومره تکاليف تېريږي، د بې کارۍ لاملونه څه دي او څومره منفي تاثيرات له ځان سره لري.

ددې ترڅنگ په ليکنه کي د خلگو د بې کارۍ د حل لارو يادونه هم سوې ده، چي تر ډېره پکښي پر دولت تمرکز سوئ دی.

د خېرني موخي:

دا خېرنه د بې کارۍ د حل په موخه سوې. په کندهار کې د بې کارۍ د اصلي لاملونو پيدا کول، د بې کارۍ اغېز پر خلگو، د بې کارۍ منفي تاثيرات په کندهار کې او د کندهاريانو لپاره د بې کارۍ د له منځه وړلو په هدف دا خېرنه ترتيب سوې ده. خېرني دا نښودل يې، چي بې کاري څنگه رامنځ ته سوې او څنگه له منځه ځي.

د خيرنی میتود:

په کندهار کې د بې کارۍ له امله د ټولنيز زغم د نه شتون پر اساس دا خېرنه ساحوي ده او د پوښتنيک په ذريعه سوې. ددې خېرني لپاره مور د کندهار د مختلفو قشرونو او مختلفو سيمو د خلگو سره ليدلي او د پوښتنو پر اساس د دې خېرني اهداف ته رسېدلي يو. په دې خېرنه کې ټول ټال د ۲۰۰ نفرو څخه پوښتني سوې دي، چي ددې خېرني مختلفو پوښتنو ته يې ځوابونه ويلي دي او ټولي هغه ستونزي، زيانونه او گټي يې ليکل سوې چي د خلگو پر وړاندې واقع سوې دي. کندهار کې د دې ستونزې په اړوند د بيلا بيلو کسانو مرکې کړې چې زما پوښتنو ته د هغوی ځوابونه په لاندې کې تحليل شوي دي.

پوښتني

لومړی پوښتنه: په کندهار کې د ځوانانو د بې کارۍ لاملونه څه دي؟

د خلگو (۲۶٪) وايي چي د نامنۍ له امله بې کاري ډېره رامنځ ته سوې، بله ډله (۲۴٪) خلگ وايي د ځوانانو د کار سره نه علاقه ده، خو پاته برخه د خلگو وايي

چي د اقتصاد ضعيفوالی، د بهرني تجارانو او سوداگرو د پانگوني کموالی او د دولت
لخوا د کارسازۍ نه شتون خلگ بې کاره کړي دي.

دوهمه پوښتنه: په دې ولايت کي څنگه د بې کارۍ له امله امنيت ته زيان

اوري؟

له پوښتل سوو ۲۰۰ تنو څخه ۸۸ سلنه خلگ په دې باور دي، چي غلاوي،
اختطافونه او نوري گډوډۍ د بې کاري له امله رامنځ ته کيږي، چي د ټولني د
خلگو لپاره په ژوند کولو کي لويي ستونزې راپورته کوي.

دريمه پوښتنه: په کندهار کي د ځوانانو بې کاري څومره منفي اغېزي کړي؟

ددې پوښتني په ځواب کي ټولو خلگو پر کندهار د بې کارۍ پر منفي اغيز باندي
خبري کړي دي.

دوی وايي چي په د اقتصاد خرابوالی، د امنيت گډوډي، د پانگي کمزورتيا او
داسي نورو برخو کي سختي ستونزي راپورته شوې دي او خورا لوی منفي تاثيرات
بې شيندلي دي.

دوی وييلي چي د بې کارۍ شتون د ځوانانو په شاتگ کي مهم رول لوبولی دی او
د ادارو، سازمانونو، مکاتبو، خصوصي سکتورونو او همدارنگه په بېلابېلو برخو کي
د پرمختگ څخه پاته سوي دي.

څلورمه پوښتنه: له دې حالت څخه د وتلو لپاره بايد څه وسي؟

ددې پوښتني په ځواب کي مختلفي خبري سوي دي.

يو شمېر خلگ وايي چي ځوانان بايد په امنيتي ليکو کي ودرېږي، ځيني وايي چي ځوانان بايد تعليم وکړي او په ټولنه کي خپل مسؤليت درک کړي، خو بله ډله بيا وايي چي ځوانان له عامي پوهاوي څخه ليري پاته سوي دي او د کار د پيدا کولو په اړه هيڅ نه پوهيږي.

له دې شمېر څخه بيا زيات وايي چي د کندهار د ځوانانو لپاره بايد اقتصاد برابر سي، د دولت لخوا بوديجه ورکړل سي، تر څو د کارونو په ايجادولو سره نور کارونه هم ډېر سي.

دوی زياتوي چي د دوی لپاره د بازار جوړول او د بې کارۍ د له منځه وړلو لپاره دوی ته بوديجه ورکول بې کاري له منځه وړي او په دې کار سره د کندهار اقتصاد او کاروبار دوه برابره سمېږي.

ځيني خلگ وايي چي دولت د بې کارۍ په له منځه وړلو کي لوی رول لري. دوی وايي چي دولت بايد په امنيتي، د پوهني په ډگر کي، د ټکنالوژۍ په برخه کي او په يو شمېر نورو ارگانونو کي موجود خنډونه له منځه يوسي، تر څو مو ځوانانو ته کاري فرصتونه برابر سي او دوی هم ځوانانو لپاره د کارونو په ايجادولو کي جدي هڅي وکړي.

بيکاری در ټولني د نه زغم د دليل په توگه

ټول انساني ژوند د پېړيو، پېړيو انساني کار او هاند محصول دی انسانان د کار له لارې خپلې اړتياوې پوره کوي او په دې توگه د ژوند د دوام تر څنگ ټولني ته وده او پر مختتگ ورکوي.

کار يو ټاکلې او موخه لرونکې هڅی ته ويل کيږي. کار د امکانات شوني کوي چي انسانان پر طبيعت بر لاسې شي او د هغه د امکاناتو څخه په خپله کټه کار واخلي.

بیکاری هغه حال ته ویل کیږي چې یو کس د کار کولو توان لري او هم غواړي کار کوي خو کار نشي پیدا کولای،

کار چې د اقتصادي او عاید لاسته راوړنې له لحاظه د ټولني د سلامتیا او مطلوب ژوند لپاره اړیني عامل دی د هغه په نشتوالي سره فردی او ټولنیز ژوند اغیزمن کیږي او زیان وینی.

هغه څوک چې د کار سن ته ورسیري د کار توان ولري او وغواړي کار وکړي هغه ته کار او د کار شرایط برابرول یو ملی او ټولنیزه دنده ده. دولت او اړونده ادارې مکلفیت لري د دوی توان او تخصص برابر کار پیدا کړي.

په نورو ډیرو هیوادونو کې د دولتي پلانونو سر سم د نفوس وده د تحصیل او د کار د عرضې بازار څرنگوالی خپل او تنظیم کیږي. او د هغه کسانو لپاره چې په ټاکلی وخت کې د کار بازار ته راځي او باید په یوه دنده بوخت شي کار ورکول کیږي او که د یوې مودې لپاره هغوی ته کار پیدا نشي— دولت خپله دنده لري هغوی ته د بیکاری له امله مرسته وکړي.

زمونږ په هیواد او ډیرو نورو هیوادونو کې بیکاري او د کار نشتون په لویه او جدې ستونزه ده دا ستونزه د پخوانه شتون درلود خو اوس د جگړیزو شرایطو له امله د یوه ټولنیز بحران حالت خپل کړی دی. ټولنیز بحران په دې معنی چې دا ستونزه د ټولني د ټولو پورو نوا و گروپونو لمن نیولې ده. زور او ځوان تحصیل کړي او بی سواده ټول په کار پسې سرگردانه او لالهانده دي او دنده نشي ترلاسه کولای.

د اقتصادي فعالیتونو د نشتوالي له کبله زمونږ ډیر تحصیل کړی کسان وزکاره دي او خپلو کونیو ته د حلالی ډوډی جوگه نشي کیدای د ډیرو داسی کسانو او کورنیو لپاره زغم پای ته رسیدلی دی دا حالت په ټولنیز نه زغم بدل شوی دی څوک

وطن پرېښودو ته اړ شوي او ډير نور د مافيايي بانډونو او ترهگريزو ډلو سره اړيکي او کار پيل کړي دي چې دا وضه خپل وار سره د نا امنيو او د ترهگريزو فعاليتونو سره مرسته کوي او هغه پراخوي.

دا ډيره طبيعي ده کله چې يو کس په يو هيواد کې ژوند کوي، د هيواد په ښو او بدو کې ونډه اخلي نو هغه تمه لري چې د قانوني او مقرراتو پر بنا د کار د سن پر مهال بايد کار وکړي. کار او کار شرايط برابرېدل د هغه قانوني حق دي چې په خواشينی سره د بيلابيلو لاملونه په تيره بيا د اوږده مهال جگړې له کبله زموږ ډير وگړي بيکاره او اوزگار نه دي چې دا حالت د ډيرو کسانو او په ټوله کې د ټولني او دولت لپاره ستونزې پيدا کړي دي او د خلکو د نه زغم سبب شوي دي. ما په خپل ټاټوبي دوی زياتوی چې د دوی لپاره د کار و کسب جوړول او د بي کاري د له منځه وړلو لپاره دوی ته بوديجه ورکول بي کاري له منځه وړي او په دې کار سره د کندهار اقتصاد او کاروبار سميرې.

ځيني خلک وايي چې دولت د بي کاري په له منځه وړلو کې لوی رول لري. دوی وايي چې دولت بايد په امنيتی، د پوهني په ډگر کې، د ټکنالوژي په برخه کې او په يو شمير نورو ارگانونو کې موجوده خنډونه له منځه يوسي، ترڅو مو ځوانانو ته کاري فرصتونه برابر سي او دوی هم ځوانانو لپاره د کارونو په ايجادولو کې جدي هڅې وکړي.

د څېړني پايله

دا څېړنه چې په کندهار کې د ځوانانو د بي کاري منفي تاثيراتو، د بي کاري، لاملونه، په دې برخه کې د خلکو ټولنيز زغم او څه ډول بي کاري له منځه وړل

کېدای سي تر عنوان لاندې تر سره شوی او په پای کی د دولت تر ټولو لوی رول وگنل سو.

ویل شوی چی بې کاري د دولت د نه پاملرني، د اقتصادي کمزوري، د ځوانانو لخوا د مسؤلیت نه درک او د کاري فرصتونو د کموالي پایله ده.

منفي تاثیرات یې د امنیت خرابوالی، د ټولني گډوډي او د پانگوني کمزورتيا ياده سوه او همداراز د ټولو هغو مشکلاتو او لویو زیانونه يادونه وسوه، چي د کار د نه شتون په سبب را منځ ته کيږي.

ددې ترڅنگ دا څپرڼه د هغه عوامو خلگو سره شریکه سوې ده، چي په دې ولایت کی د بې کاري سره لاس او گربوان دي او د ژوند چاري ورته ډېرې سختي سوي دي.

په اخير کی د بې کاري د له منځه وړلو کي تر ټولو لوی رول د دولت وگنل شو، چي دولت باید په دې برخه کي زمينه سازي وکړي، بهرنی پانگونه پيدا کړي، د کورنيو توليداتو د پرمختگ لپاره گامونه پورته کړي او په دې برخه کي پر ټولنيزو پروژو او پلانونو باندي هم کار وکړي، ترڅو ځوانانو ته کاري فرصتونه برابر سي.

مأخذونه

-۱

<https://af.lomritob.com/%DA%85%DB%8C%DA%93%D9%86%D9%87-%DB%8C%D8%A7-%D8%AA%D8%AD%D9%82%DB%8C%D9%82-%DA%85%D9%87-%D8%AA%D9%87-%D9%88%D8%A7%DB%8C%DB%8C%D8%9F/>

<http://www.mcn-gpi.gov.af/index.php/prs/what-we-do-prs/2015-> -۲

[11-25-07-21-39/3553-2016-01-09-06-18-36](http://www.mcn-gpi.gov.af/index.php/prs/what-we-do-prs/2015-11-25-07-21-39/3553-2016-01-09-06-18-36)

<https://tatobaynews.com/old/?p=5962> -۳

<https://www.dw.com/ps/%D8%AF-> -۴

[%DA%A9%D9%86%D8%AF%D9%87%D8%A7%D8%B1-](https://www.dw.com/ps/%D8%AF-%DA%A9%D9%86%D8%AF%D9%87%D8%A7%D8%B1-)

[%D8%A7%D9%88%D8%B3%D9%8A%D8%AF%D9%88%D9%86%D](https://www.dw.com/ps/%D8%AF-%DA%A9%D9%86%D8%AF%D9%87%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D9%88%D8%B3%D9%8A%D8%AF%D9%88%D9%86%D)

[A%A9%D9%8A-%D8%AF-](https://www.dw.com/ps/%D8%AF-A%A9%D9%8A-%D8%AF-)

[%D8%A8%DB%90%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8D-](https://www.dw.com/ps/%D8%AF-%DA%A9%D9%86%D8%AF%D9%87%D8%A7%D8%B1-%D8%A8%DB%90%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8D-)

[%DA%85%D8%AE%D9%87-%D8%B3%D8%B1-](https://www.dw.com/ps/%D8%AF-%DA%A9%D9%86%D8%AF%D9%87%D8%A7%D8%B1-%DA%85%D8%AE%D9%87-%D8%B3%D8%B1-)

[%D9%BC%DA%A9%D9%88%D9%8A/a-6463815-0](https://www.dw.com/ps/%D8%AF-%DA%A9%D9%86%D8%AF%D9%87%D8%A7%D8%B1-%D9%BC%DA%A9%D9%88%D9%8A/a-6463815-0)

<https://tatobaynews.com/?p=321> -۵

خشونت های عاطفی چطور باعث عدم تحمل اجتماعی میشود و چه راه حل
ها باعث بهبود وضعیت خواهد شد؟

شکیلا سهیل

پوهنځی روابط بین الملل

پوهنتون هرات

چکیده

مقاله حاضر در زمینه ی خشونت های عاطفی ونقش آن در عدم تحمل اجتماعی، نگاشته شده است. که تساهل ومدارای اجتماعی به عنوان فرایند تغییر پذیر و وابسته به خشونت عاطفی وضاحت داده شده است. بدین منظور، با استفاده از کتب، مقالات وگزارش های انترنتی ابتدا خشونت وبه تبع آن خشونت عاطفی تعریف شده است. که در نتیجه ریشه یابی و یافته ها خشونت عاطفی واضح گردیده که: در مواردی خانواده منشأ خشونت عاطفی است زیرا ابتدایی ترین جامعه ی رشد یک فرد، خانواده است وبه علاوه نقش این خشونت در رفتار اجتماعی به ویژه تحمل اجتماعی توضیح داده شده و در نهایت آن، راهکارهایی جهت رفتن به سوی یک جامعه عاری از خشونت ومترقی ارائه شده است که از جمله آن آموزش وتقویت بنیه های فرهنگی جامعه نقش عمده دارد.

کلید واژه: خشونت عاطفی، تحمل وتساهل، رفتار اجتماعی، فقر فرهنگی.

مقدمه و بیان مسأله

مسأله اساسی اینجاست که خشونت عاطفی چیست و چگونه شکل میگیرد، نحوه تأثیر گذاری آن در رفتار اجتماعی و همدیگر پذیری به چه نحوه بوده و چگونه میتوان به این مشکلات نائل آمد؛ بناً این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی در صدد واکاوی آن است. از آنجاییکه بشر موجودیست تکامل پذیر، بناً در راه رسیدن به تکامل با مشکلاتی نیز بر می خورد. از جمله مشکلاتی که انسان همواره با آن دست و پنجه نرم میکند خشونت هایی است که در به آن مواجه متحمل میشود، به ویژه در جوامع مانند جامعه ستم کشیده افغانستان.

خشونت های عاطفی در ابعاد مختلف و در سطوح متفاوت صورت گرفته و هیچ جامعه ای حتی پیشرفته ترین آن از این امر مستثنی نیست. از جانب دیگر برقراری روابط از نیاز های ذاتی انسان بوده و چون انسانها به لحاظ فرهنگی، تربیتی و تفکر دارای تفاوت های عمیق میباشند؛ بناً تنها راه ارتباط سالم و فارغ از ستیزه جوی همانا تحمل یا مدارای اجتماعی است. تساهل یا تحمل اجتماعی در جامعه زمانی ایجاد و نهادینه میشود که افراد جامعه بدون دغدغه و خشونت بویژه خشونت های عاطفی باشند. اما در جامعه رو به توسعه افغانستان خشونت ها بصورت عموم بیداد میکند با لخصوص خشونت های عاطفی تمام اقشار جامعه را بصورت عام ولی قشر زنان و کودکان را بصورت خاص قربانی خود قرار می دهد. بسیاری از تنش های اجتماعی و عدم تحمل و همدیگر پذیری در جامعه افغانی برمبنای خشونت های عاطفی شکل گرفته است. انگیزه ها و عوامل خشونت می تواند متعدد باشد.

خشونت بصورت عموم در نتیجه پاسخ نادرست همچنین به خواسته ها و عملکرد های به جا و بر حق و یا هم حق تلفی ها و زور گویی بروز می نماید. ناکامی ها و شکست های زندگی در ایجاد خشونت نقش دارد.. تقسیم بندی های متفاوت از خشونت صورت گرفته که متداولترین آن خشونت های مستقیم (فیزیکی) و غیرمستقیم (روانی، عاطفی، ویاساختاری) میباشد (غدیری، ۱۳۹۵). خشونت مورد مطالعه ما خشونت عاطفی است که عبارت از هر نوع رفتار کلامی و غیرکلامی بوده و اثر منفی بر سلامت روانی و احساس فرد میگذارد زیرا قربانی خشونت عاطفی همواره با افکار منفی، ترس ها، تردیدها و واکنش ها مواجه است.

(از صفحه ۴ متن آورده شود.)

می تواند عمده ترین منشأ خشونت های عاطفی خانواده باشد به این دلیل که جامعه متشکل از زیرساخت های متعددی است و مهمترین آن خانواده بوده که مهد تربیه فرد و تقدیم آن به جامعه قلمداد میگردد. زمانیکه فرد تربیه شده در خانواده خشن وارد جامعه شد و پرخاشگرانه عمل کرد، اینجاست که خشونت عاطفی منجر به تنشها و عدم تحمل اجتماعی میشود. خانم ها بیشترین قربانی این خشونت ها شده اند چون در خانه با برخورد های زشت و ناسالم روبرو اند که جزئی ترین آن نسبت دادن برخی مفاهیم مانند "ضعیفه"، "سیاه سر" به زنان است. عدم اهمیت به شخصیت زنان، و نادیده گرفتن تصامیم شان: محدود کردن مشارکت های اجتماعی، انتقاد ناروا، تحقیر توسط شوهر نزدیکان و اعضای فامیل محدود کردن امکانات اقتصادی علاوه بر اینکه خشونت را بر زن تحمیل ممکن است فرد خشونت دیده در آینده، خشونت را از خود نیز بروز دهد، بازی با

احساسات و نادیده گرفتن خواسته های معقول زن و اطفال، توهین زن به دلایلی چون بیسواد بودن و یا نازا بودن، متلک گفتن به زنان در کوچه، بازار و محل کار، تهدید مداوم به طلاق رنج آور ترین نوع خشونت عاطفی است در حالتیکه زن مادر شده نتوانست مرد همواره او را تهدید به طلاق میکند، یا ازدواج مجدد(احمد، ۲۰۱۲:ص ۱۳). که اینها همه مصادیق خشونت های نظامند عاطفی بوده و منجر به قهر، کینه توزی، انزوا و جامعه گریزی زنان شده واز ترس اینکه روابط آنها تیره نه شود و یا از بین نرود یا دوستان و نزدیکان خود را از دست نه دهند خاموشی را اختیار میکنند. احساس کردن سرکوب شده اند و احساس سرخوردگی میکنند. این سرکوبی و تحمل خشونت ممکن از جانب خانواده یا دوستان نزدیک محیط کار و یا سایر اعضای جامعه باشد.

کودکان چه دختر باشند یا پسر-زمانیکه با رفتار های نا مناسب و خشونت عاطفی روبرو میشوند به نسبت نداشتن توانایی برخورد مناسب و بی پاسخ میمانند و منجر به عقده گرفتن آنها می شود بطور مثال: در بعضی از فامیل ها در آوان طفولیت برای فرزندان شان حق صحبت و اظهار نظر داده نمیشود وقتی با انگیزه و شوق میخواهند مطلبی را اظهار کنند و یا فعالیتی انجام دهند از جانب خانواده سرکوب میشوند که این اجازه نه دادن تمسخر و مقایسه مکرر با دیگر کودکان و یا تبعیض بین فرزندان که احساس کودکان را جریحه دار میکند عقده گیری را در ذهن و روان اطفال نهادینه می سازد از همه مهمتر اینکه اگر والدین خود مورد خشونت قرار گرفته باشند رفتار خود را به فرزندان خود انتقال می دهند. اولاد چنین والدینی خصوصیات از والدین خود را گرفته و عقده ای

و جامعه‌گریز رشد میکنند؛ درصنف که اولین اجتماع ورود طفل است با هم صنفی‌های خود جدل کرده توافق جمعی برایشان بی‌معناست دردراز مدت هرکاری را انجام میدهند تا فقرمحبت یا ظلم متحمل شده را جبران کنند چون فقر عاطفه در سرشت شان جای گرفته آگاهانه و یا نا آگاه اعمال شان هم به اساس سرشت شان میباشد(همان، صفحه 2).

تحمیل خشونت عاطفی تنها منحصر- به زنان و کودکان نیست، در هر جای و هر مقطع زمانی ممکن یک فرد مورد خشونت عاطفی قرار گیرد مثلاً وقتی یک مرد بخواهد گریه کند و احساسات خود را بروز دهد؛ میگویند: مرد که گریه نمیکند! و یا مطابق به سلیقه خود مثل لباسی با رنگ سرخ بپوشد بنابر جو حاکم در جامعه ممکن مورد تمسخر قرار گیرد بدین معنی که نمیتوانند سلیقه‌های خود را برآورده کنند. همچنان خشونت‌های ساختاری در جامعه مانند پالسی‌های تبعیض‌گونه حکومت باعث میشود افراد خیلی خشن و بسیار پرخاشگر شوند به علاوه فقر اقتصادی به صدمات روانی را برای اعضای جامعه بار می‌آورد، دغدغه‌های مصارف خانه، بیکاری، فساد..... همه منجر به ایجاد عقده‌های روانی شده که رفتار فرد را در جامعه متأثر میسازد. اما مجدداً تکرار میکنم که عموماً خشونت‌های عاطفی بیشتر از جانب کسانی که او نیز مورد خشونت قرار گرفته است مثلاً مرد که عقده‌ای است و خشونت را تجربه کرده است، عقده‌یی بر خورد کرده همسر، فرزندان و سایر افراد شامل روابط اجتماعی خود را مورد خشونت قرار میدهد خانم این فرد، اطفال آن که بزرگ شده و وارد جامعه میشوند، اعمال‌کننده خشونت میباشند چون در گذشته قربانی شده بودند حالا در پی انتقام

ورسیدن به خواسته های خود اند و این نگرش در رفتار اجتماعی شان نقش عمده ای را احتوا میکند که علاوه بر انزوا، فقر فرهنگی، کینه توزی، ترس، دشمنی، حس تنفر، عدم انگیزه؛ عمده ترین تأثیر رفتار نامناسب اجتماعی وعدم تحمل مداری اجتماعی است این فرد چون توانایی تمرکز وکنترول افکار خود را ندارد، این روان پریشی منجر به اثرات مخرب روابط اجتماعی فرد میشود(احدی، 1395).

نگرش، اندیشه وافکار افراد تا اندازه ای در محیط های متفاوت چون محل کار ومحل تحصیل شکل می گیرد؛ اما خاستگاه تبلور افکار واندیشه های فرد در جامعه مسلماً برگرفته از خانواده میباشد وجامعه که متشکل از خانواده ها است افراد این خانواده ها در روابط اجتماعی خود بابسا مشکلات روبرو میشوند.

تجارب نشان داده که رفتار فرد خشونت عاطفی دیده دوچار فقر فرهنگ، محبت، تحمل وتساهل میباشد. چون خشونت عاطفی فرد را کم تحمل و پرخاشگر بار میآورد وكسیکه در خانواده محبت ندیده باشد، در اجتماع نیز محبت را نسبت به دیگران از خود نشان نمیدهند.

نکته قابل تأمل اینجاست که؛ کسیکه مورد خشونت عاطفی قرار گرفته، و هم کسیکه این خشونت را اعمال کرده هردو سازنده اعضای وهردو عقده مند اند و حاضر نیستند نظریات دیگران را بپذیرند ونمیخواهند که بقیه هم در آرامش باشند چون خودشان از ابراز احساس محروم بودند زمینه ابراز احساس بقیه را هم میگیرند. این منجر به ایجاد اجتماعی میشود پر از روابط ناسالم وفاقد همدیگر

پزیری. اگر جامعه را به یک سایکل تشبیه نمائیم، که متشکل از خورده سایکل ها یا حلقه های متعدد و متفاوت باشد؛ ابتدائی ترین حلقه ها سرنوشت و رفتار بقیه را شکل میدهد و بسیاری مشکلات جامعه ناشی از حلقاتی است که قربانی یا اعمال کننده خشونت عاطفی بوده اند چنین افرادی با حس تنفر، عدم حس همزیستی مسالمت آمیز و وحدت وارد جامعه میشوند و چون به جامعه اعتماد ندارد بقیه را نمیپذیرد در رفتارش تمام گذشته و خشونتی که بالایش آمده منعکس میدهد. چنانچه استیفان کاوی بیان میکند: (انسانهای واکنشی (عموماً مورد خشونت عاطفی قرار گرفته اند) رفتارهای واکنشی دارند و پاسخ بقیه را غیر اصولی، بدون تحلیل و تجزیه به شیوه انعکاسی تبارز میدهند) که این پاسخ های غیر اصولی مجرب ناکامی روابط اجتماعی فرد میشود. همچنان این افراد واکنشی ریشه مشکلات راهمیشه در رفتار بقیه جستجو میکنند و خود را هرگز در ایجاد مشکلات سهیم نمیدانند که این خود باعث میشود رفتار بقیه را نپذیرند حتی اگر بدانند که درست است. کاوی اضافه می کند این افراد تفکر قالبی دارند یعنی در اندیشه خود یک رفتار یا گفتار را تعمیم میدهند. مثلاً اگر در کودکی از خانواده، جامعه، و یا مکتب مورد خشونت بودند کل معلمان، خانواده و جامعه را بد میپندارند به همین اساس تحمل و تساهل اجتماعی ندارند.

نتیجه گیری

از آنجاییکه خشونت بصورت عام و خشونت عاطفی بصورت خاص در تمام جوامع وجود دارد که کشور های عقب مانده و سنتی ظواهر بیشتر آنرا به نمایش می گذارد.

در نهایت خشونت های عاطفی بسیاری از مشکلات جامعه ما را هم تشکیل داده و افراد زیادی مورد این خشونت قرار می گیرند. و چه بسیار کسانی که خود مورد خشونت واقع شده و چون زخم ناسوری خود و جامعه را باهزاران رنج و مشکل روحی قراردادند. و با توجه به اینکه کلیدی ترین عامل ناهنجاری ها بر مبنای عدم تساهل و مدارا شکل می گیرد و منشأ این ها همه خشونت های فرهنگیست؛ بنا برای داشتن جامعه ای که تساهل در آن نهادینه شده باشد و افراد جامعه با توجه به ارزشهای انسانی رفتار خود را اصولی کنند باید بارها کارهای سازمند زیر بنا های جامعه را آموزش داده و ریشه مشکلات جامعه را از مبدا شناسایی نموده و فرهنگ تساهل و مدارا را در جامعه مستحکم بسازیم. تا باشد دیگر شاهد خشونت، انزوا و خشکیدن ریشه های پیکر جامعه خود که همانا مردم ستم کشیده ای مان بیشتر از آن متضرر می شوند، نباشیم. پس باید برای حل این معضل اجتماعی و رفاه افراد جامعه بدنبال سنجش و عملی کردن راه حل های بود تا جامعه بسوی تنش زدایی، همدیگری پذیری، وحدت و همبستگی سوق دهد.

راهکارها

چنانچه پیشگیری بهتر از درمان است، اما نباید دست روی دست گذاشت زیرا بخش عظیمی از افراد میهن مان بویژه زنان به خشونت های عاطفی دوچار اند و با آنکه راه کارها نتیجه آتی ندارد اما در طولانی مدت مثر ثمر واقع خواهد شد، از جمله راه حل های که من به آن اشاره میکنم قرار ذیل است:

۱. باید زیر ساخت های فرهنگی جامعه خود را غنایمند سازیم. چون جامعه ما سخت به فقر فرهنگی مواجه است.

۲. کتب روانشناسی و آموزش نحوه برخورد و رفتار اجتماعی در قالب کریکولم درسی مکاتب اضافه گردد تا اطفال از آوان کودکی رفتارهای اصول زیست در اجتماع را بیاموزند.

۳. قانونی کردن ازدواج‌ها و آموزش قبلی برای والدین شدن؛ به این اساس زمانی که زوجین برای ثبت ازدواج مراجعه میکنند مشوره داده شود که باهم چگونه رفتار کنند و اطفال خود را چگونه تربیه کنند.

۴. ریاست‌های اطلاعات و فرهنگ بنرهای حاوی پیام‌های انسان دوستی و همدیگر پذیری را در ملا عام و رسانه نشر- نماید. آموزش روابط خانواده و تأثیرات آن بر روابط اجتماعی در سطح قریه جات و برگزاری نمایش‌های درمورد خشونت‌های عاطفی بر گذار گردد تا پند دهنده و آموزنده باشد.

۵. ایجاد مراکز روانپزشکی، ترویج فرهنگ روان درمانی و درمان رایگان قربانیان خشونت‌های عاطفی.

در قوانین بازنگری صورت گیرد با آنکه خشونت‌های فزیک‌ی جرم انگاری شده اما خشونت عاطفی که تأثیرات مخربتر از آنرا دارد از نظر قانون به دور مانده است، باید جرم انگاری شود و ضمانت اجرا داشته باشد. به این اساس که اکثریت خشونت‌های فزیک‌ی بر مبنای خشونت‌های عاطفی شکل می‌گیرد. بدینصورت با محو خشونت‌های عاطفی در خشونت فزیک‌ی نیز کاهش به میان خواهد آمد.

منابع مؤخذ:

کتاب ها:

- وحید احدی (۱۳۹۵ ه ش). هنر رهبری، هرات، افغانستان، انتشارات فاروقی.
- استیفان کاوی (۱۹۹۶ م). هفت عادت افراد مؤثر، مترجم گیتی خوشدل، چاپ اول، امریکا.
- لیلا احمد (۲۰۱۲ م). زنان وجتسیت در اسلام، مترجم فاطمه صادقی، چاپ اول، لندن، انتشارات شبکه همبستگی بین المللی زنان وقوانین در جامعه.

سایت های انترنیتی

- ماهرو غدیری (1395ش) عنوان گزارش؛ خشونت های عاطفی مخرب تر از خشونت های فیزیکیست، قابل دسترسی در سایت www.parsine.com
- ---- (۱۳۹۵ ه). گزارش خبری، جنبه های خشونت عاطفی کودکان، گرفته شد از سایت انترنیتی www.irna.ir.news
- آیا شما قربانی خشونت عاطفی هستید (26 اسد، 1395) بر گرفته از سایت www.salamatnews.com

تبعیض څنگه د ټولنیز زغم د نشتون لامل کیږي او د حل لاره یې څه ده؟

فرشید لطیفی

د خراسان پوهنتون

د انگلسی ژبی د ادبیاتو پوهنځی

مقدمه

په عامه مانا تبعیض جلا کول، توپیر کول، یو له بله غوره یا کم گڼل او یا یوې ځانگړې ډلې یا ځانگړې کس ته لومړیتوب ورکولو ته وایي. د تبعیض په نتیجه کې عقدې او بدبینۍ پیدا کېږي چې نتیجه یې بې برکتې، تخریب او جگړه ده. تاریخ ثابته کړې ده چې خلک بیوزلي زغمي خو بې عدالتي نه زغمي. هغه کسان چې په یو ټولنه ک ځان محروم احساسوي، په مختلفو طریقو وړانې کوي او ټولنه له پښو غورځوي. که مېړه له ښځې سره تبعیضي-چلند وکړي، ښځه به د کور په جوړولو کې بې پروا شي. که د یوه هېواد له یوه قام سره تبعیضي-چلند کېږي، هغه مظلوم قام به په مختلفو طریقو په پټه او ښکاره د هغه هېواد د اجتماعي او سیاسي نظام د نسکورولو کوشښ وکړي.

تبعیض څه ته وایي؟ علتونه یې څه دي؟ او تاوانونه یې کوم دي؟ دغه بحثونه به د ټولني د اخلاقي شعور له پیاوړتیا سره مرسته وکړي او سولې او انسانیت ته به یې گټه ورسېږي.

د تبعيض مصيبت

د تبعيض د تعريف لپاره درې ټكو ته پام په كار دى : تبعيض له بل چا سره نابرابر او ناوړه چلند دى. له بل چا سره دغه ناوړه چلند د هغه د طبيعي ځانگړنو په وجه او يا د هغه د هويت د ځانگړنو په وجه كېږي. د دغه ناوړه او نابرابر چلند د ترسره كولو لپاره چې كوم دليل وړاندې كېږي، هغه نامعقول وي.

د بشري حقونو په بحثونو كې له تبعيض (Discrimination) څخه منظور داسې نابرابر او ناوړه چلند دى چې له يو چا سره د هغه د طبيعي ځانگړنو يا هويت په خاطر كېږي. كه څوك د خپل يو گاونډي سره په دې خاطر توپيري چلند كوي چې هغه په بله ژبه غږېږي، يا يې مذهب بېل دى، يا معلول دى، يا مهاجر دى، يا يې توكم بېل دى دلته بيا د تبعيض خبره مطرح كېږي ځكه دلته د طبيعي ځانگړنو او كلتوري ځانگړنو په اساس توپيري چلند شوى دى. طبيعي ځانگړنې هغه وي چې يو څوك يې نه پخپله رامنځ ته كوي او نه يې بدلولى شي. مثلاً يو څوك تور پوستى دى. دغه رنگ نه ده انتخاب كړى دى او نه يې بدلولى د ده په اختيار كې دي.

تبعيض د ټولې نړۍ لپاره يو مصيبت دى. تبعيض هر ځاى كې شته خو چېرته لږ وي او چېرته ډېر وي خو په وروسته پاتې ټولنو كې ډېر په نظر راځي.

له بده مرغه هغه لاملونه چې د افغانستان خپلواكي او ملي حاكميت يې په تېرو څو لسيزو كې د سوال لاندې راوستى د قدرت په سر جگړې، دسيسې، بې سوادې، نفاق او تبعيض څخه عبارت دي. كه موږ غواړو چې د دې ټولني ستونزې له ريښې څخه ختمې كړو نو د پورته بدمرغيو مخه بايد پوره پوره ونيسو.

ټولنه هم لکه د انسان د بدن مثال لري، که زموږ د بدن يو غړی درد ولري نو ټول بدن مو ورسره نارامه وي. همداراز که په ټولنه کې يو اقليت قشر هم محرومه پاتې شي، تبعیضي چلند ورسره وشي نو د ټولې ټولنې لپاره د خطر زنگ دی او دا ټولنه به د پرمختگ په لاره بڼه حرکت ونه شي کړی.

په ټوله کې تبعیض ډېر ډولونه لري. د بېلگې په توگه نژادي، مذهبي، قومي او ژبني تبعیض يادولی شو. په نړيواله کچه که د تبعیض سره د مبارزې ذکر کېږي نو نېلسن منډېلا نوم به حتمي هلته يادېږي. نېلسن منډېلا د عدالت لپاره په نړۍ کې ستر مبارز تېر شوی. نوموړي اووه ويشت کاله يوازې د دې لپاره زندان کې تېر کړل چې په افريقا کې يې د تورپوستو حقوق له سپين پوستو له حقوقو سره برابر غوښتل. هغه هر چا لپاره په برابرو حقوقو ټينگار کاوه او د يوه هيوواد لپاره يې نژادي، ژبني، او قومي تبعیض د تباهی لاملونه گڼل. د هغه مبارزې رنگ راوړ، کامياب شو او په نړۍ کې لومړی تورپوستی و چې جمهوري رياست ته ورسېد.

اوس په هر ځای کې يو څه تبعیض شته. دوه کاله وړاندې مې ټلويزيون لیده، د اروپا په سربيا کې د فوټبال يو برازیلی لوبغاړی له میدان په ژړا اوځي. دی تورپوستی و، په لوبه کې چې به کله هم توپ پښې ته ورتلو، نو په د لوبې نندارچيانو به ورپسې د بيزوگانو چغې وهلې کله چې لوبه ختمېږي دی ژاړي او وايي چې په ټوله لوبه کې زه ناراحته وم، د خلکو چغو ځورولم، هيله ده چې نور دې دا خلک نژادي تبعیض پرېږدي.

جنسي- تبعيض يوه بله لويه ستونزه ده. په ټولنه کې نارينه او ښځينه داسې دي لکه د يو مرغه دوه وزرې. که هره طبقه محرومه پاتې شي نو دا په دې مانا ده چې ټولنه يو وزرې شوه او يو وزرې ټولنه به کله هم د پرمختگ پرواز ونه شي کړی.

تبعيض په خلکو کې طبقې رامنځ ته کوي او هغه قشر- چې د تبعيض له امله ډېر وځپل شي يا محرومه پاتې شي نو زغم يې پای ته رسېږي او دښمنی ته لاس اچوي. طبقاتي ټولنې تل د تباهي په لورې درومي. هغه ټولنې کاميابه دي چې د تبعيض کچه په کې صفر او يا بيخي کمه وي.

د تبعيض لاملونه بې سوادې، ناپوهي او په ټوله کې يو غلط فرهنگ کېدلای شي. تعليم يافته او منطق لرونکو خلکو ته په کار ده چې دې لوی مصيبت سره مبارزه وکړي او ټولنه ترې پاکه کړي.

تبعيض څخه د خلاصون لارې چارې

- علما، رسنۍ، استادان، ليکوالان او په ټوله کې هر پوه کس اړ دی چې نورو سره د تبعيض زيانونه شريک کړي.
- ډېر وخت تبعيض خلکو ته د يو غلط فرهنگ په توگه په ميراث کې پاتې کېږي. والدين او علمي مرکزنه بايد په دې برخه کې ډېر دقيق ووسي. ماشومانو او زده کوونکو ته بايد په دې اړه ډېر پوهاوی وشي تر څو راتلونکې ټولنه له تبعيض پاکه وي.
- تبعيض او توپيري چلند کول ډېر وخت د خود خواهی او د شخصي گټو په سر هم رامنځ ته کېږي. خلک بايد پوه شي چې زموږ ښکمرغي د

ټولنې په نېکمرغۍ کې نغښتې ده. که مور هر څومره شتمن شو، پوهه ولرو، مخکې لاړ شو خو ټولنه مو وروسته پاتې وي نو کله به هم د نېکمرغۍ احساس ونکړو نو په همدې خاطر هم ضرور ده چې د ټولنې ټول وگړي بايد په موازي ډول مخ ته لاړ شي. يوازې د يو قشر- پرمختگ د ټولنې د پرمختگ لامل نه شي کېدای.

- د بې سوادې ټولنې خلک تل مهال يوازې په اوس تمرکز کوي مگر د علمي، سنجيده او پرمختللي ټولنې خلک د اوسني هر فعاليت راتلونکي او عواقب سنجوي که د ټولنې وگړي تعليم يافته شي نو د راتلونکې په اړه به هم ډېر ژور فکر وکړي او کله چې خلک په ژور فکر روږدي شي، له تبعيض به خامخا ډډه کوي ځکه د تبعيض عواقب تل بد دي.

- په وروسته پاتې ټولنو کې متقابل احترام کم وي، هغوی تنوع او بېلوالی بد گڼي. نن چې نړۍ د يو کلي او کور مثال گرځېدلې ده نو ډېره ضرور ده چې خلکو ته په ټولنه کې گډ ژوند او متقابل احترام زده کړي، له دې پرته ښه ژوند ناممکنه دی.

- د ټولنې قوت په اتفاق او اتحاد کې دی. هر څومره چې خلک سره بېلېري هومره يې طاقت سره ويشل کېږي او تبعيض د اتفاق لپاره سرطان دی. تبعيض اتفاق له منځه وړي او خلک دښمنۍ ته اړ باسي. ټولنې بايد پوه شي چې پرته له اتفاق دوی مخکې نه شي تللی.

نتيجه

يوه ټولنه هغه وخت د ترقۍ، نيکمرغۍ او ثبات په لور گړندي گامونه اخيستلای شي چې تر وسه وسه پورې ډېر وگړي په کې ځانونه محروم شوي او خنډې ته پورې وهل شوي احساس نه کړي. زموږ په ټولنه کې د نېکمرغۍ او سوکالۍ په لور يون ځکه ټکنی دی چې نيم نفوس يعنې بښځې له تبعيض سره مخ دي او همدارنگه قومي تبعيضونه لا يو بل جنجال دی. د ټولني هر پوه وگړی دا مسووليت لري چې د تبعيض خلاف په کلکه مبارزه وکړي او د راتلونکو نسلونو لپاره ټولنه د تبعيض له مصيبتو پاکه کړي.

منابع

۱. غضنفر، اسدالله، ۱۳۹۶. کلتور او ټولنه
۲. غضنفر. اسدالله، ۱۳۹۵. څراغ
۳. يو ډله ليکوالان (ننگرهار پوهنتون)، ۱۳۹۶. سوله او دشخړو حل.

۴. www.ketabton.com

بیوگرافی مختصر نویسنده گان مقالات

ذکيه يعقوبى در سال ۱۳۷۸ ه.ش در ولايت كابل به دنيا آمده است. در سال ۱۳۹۶ ه.ش از ليسانس "نسان سراسياب؛ را به درجه عالی به انجام رسانیده است. در نتیجه اشتراك در آزمون كانكور، در سال ۱۳۹۷ ه.ش توانسته است كه در رشته‌ی ارتباطات در دانشكده ارتباطات و ژورناليزم، دانشگاه كابل راه يابد. ذکيه يعقوبى، در جريان دانش‌آموزی توانسته است كه به‌صورت كامل با زبان‌های درى، پشتو و انگليسى بلديت پيدا كند. ايشان در ورکشاپ‌های فن بيان و سخنرانى نيز شركت كرده است. در اواخر سمستر نخست دانشگاه، در كلوپ مناظره دانشگاه كابل وارد شده، مناظره و تحقيق را فرا گرفته است. پس از پيوستن در كلوپ مناظره دانشگاه كابل، چندين تحقيق علمى نيز انجام داده است. كه در يکى از رقابت‌های تحقيقاتى در ولايت كابل كه از طرف موسسه اندیشه وران براه انداخته شده بود، توانسته است يکى از دو بهترين تحقيق را انجام داده و در رقابت پيروز شود.

على آقا فياض در سال ۱۳۷۷ ه.ش در ولسوالى مالستان، ولايت غزنى به دنيا آمده است. دوره‌های ابتدایی، متوسط و ليسانس مکتب را در ليسانس "البيرونى نوآباد" فرا گرفته است. پس از آزمون كانكور، در سال ۱۳۹۷ ه.ش در دانشكده‌ی ارتباطات و ژورناليزم در دانشگاه كابل راه يافته است. موصوف در سال ۲۰۱۸ شامل برنامه مناظره موسسه اندیشه وران شده و لقب يکى از دو بهترين محقق را در ولايت كابل از طرف اين نهاد ازان خود كرده است.

حضرت الله نشاط د حاجي اختر محمد زوی، په ۱۳۷۵ هـ. ش کال کې د زابل په مرکز کلات ښار کې د سینک په کلي کې زېږېدلې دى.

لومړۍ زده کړې يې د شاه مردان په عالي لېسه کې بشپړې کړې دي او متوسطه او د لېسې دوره ئې د شېخ متي بابا په عالي لېسه کې په کال ۱۳۹۴ هـ. ش کې پای ته رسولې دي. د زده کړو تر څنگ په مدني او خيريې کارونو کې تل فعال دى، په دې توگه چې په زابل کې د ځوان غبرگون مدني ټولني غړى او وياند پاتې سوې دى او اوس مهال په کندهار کې د افغانانو ولسي-مدني ټولني غړى دى. اوس په کندهار ښار کې اوسېږي او د کندهار پوهنتون د درېيم کال محصل او د ثبوت آژانس سره د خبريال په صفت دنده ترسره کوي. په ۲۰۱۸ کال کې در انديشه وران موسسې په تحقيقي برنامه کې يې ونډه درلوده او په پايله کې يې د کندهار د دوو ښو څيړونکو نوم گتلى دى.

ام البنين متقى فرزند عبدالاحمد متقى در سال ۱۹۹۹ ميلادى در شهر مزار شريف ديده به جهان گشوده است. وى در سال ۱۳۹۴ از لېسه عالی نسوان ميروالى فارغ گرديده و از طريق امتحان سراسرى کانکور وارد دانشکده حقوق و علوم سياسى دانشگاه بلخ شده است. ام البنين تجربه اشتراک در برنامه هاى شبه سازى سازمان ملل، جوانان بسوى تجارت، کنفرانس ملي اهداف انکشاف پايدار و مناظره قهرمانى بلخ را نيز با خود دارد. وى به مدت سه ماه در مرکز منابع کميسيون مستقل حقوق بشر- زون شمال به حيث کار آموز ايفاء وظيفه نموده و عضويت موسسه توانمندسازى و تغير جوانان افغان را نيز دارد.

پیمان نظامی فرزند حسام الدین در سال ۱۳۷۶ خورشیدی در شهر هرات چشم به جهان گشوده است پیمان تحصیلات ابتدایی را در ایران و دوران لیسه را در هرات گزرانده است واز طریق امتحان کانکور وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه هرات شده. وی طی سالهای ۱۳۹۶ الی ۱۳۹۸ یکی از اعضای فعال فدراسیون ملی جوانان ولایت هرات بوده و از این طریق در برنامه ملی حکومت آموزشی جوانان اشتراک نموده، و موفق به کسب عضویت سازمان جوانان نو اندیش می گردد. پیمان نظامی در سال ۲۰۱۸ شامل برنامه مناظره موسسه اندیشه وران شد و لقب یکی از دو بهترین محقق را در ولایت هرات از طرف این نهاد ازان خود کرد.

مسعوده کریم در سال ۱۳۷۶ در ولایت بدخشان متولد و در سال ۱۳۹۴ از لیسه عالی مخفی فارغ گردید است. موصوف بعد از ختم دوران مکتب وارد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه بدخشان شده است. مسعوده در جریان مکتب دوبار از طرف اداره لیسه عالی مخفی و یکبار از طرف ریاست معارف ولایت بدخشان به عنوان دانشجوی ممتاز تقدیر گردیده است. وی در مسابقات محکمه تمثیلی که از طرف موسسه لیسپا دایر گردیده بود نیز اشتراک نموده و از طرف دانشگاه بدخشان به منظور کسب لقب بهترین نویسنده صورت دعوی و دفاعیه این برنامه تقدیر گردیده است. مسعوده در سال ۲۰۱۸ شامل برنامه تحقیق موسسه اندیشه وران افغان شد و بعد از تریننگ لقب بهترین محقق را در ولایت بدخشان از طرف این نهاد ازان خود کرد.

سید سلیمان عثمانی فرزند سید محسن عثمانی در خانواده روشنفکر در 5 حوت 1380 در شهر بیشکک پایتخت قرغزستان چشم به دنیا گشود. وی بعد از ختم تحصیلات ابتدایی شامل لیسه سلطان غیاث الدین شده و سند بکلوریا با درجه عالی را از این لیسه دریافت نموده است. در ضمن، عثمانی در دوران متعلمی در بسیاری از پروژه ها و برنامه های اجتماعی با قشر جوان برای رفاه جامعه سهیم بوده است. وی که فعلا محصل دانشکده علوم سیاسی دانشگاه نخبگان ولایت بلخ می باشد می خواهد به حیث یک سیاستمدار و دیپلمات مصدر خدمت به کشور و جامعه خود گردد.

فضل الله فضلي د الحاج نیک محمد زوی په ۱۳۷۷ لمریز کال کي د کندهار ولایت په پنجمه ناحیه کي زېږېدلېاو په ۱۳۹۵ کال د کندهار له مشرقی عالی لیسې څخه فارغ شوی دی. فضلي د مکتب څخه د فراغت سره سم کندهار پوهنتون ته بريالی او د ژورنالیزم په پوهنځی کي په لوړو زده کړو بوخت دی. فضلي شاوخوا ۷ کاله په دې رسنۍ کي د ویاند، تخنیکار او ایډیټر په حیث کار وکړ او په ۲۰۱۸ کال کی د اندیشه وړانو موسسې په تحقیقی برنامه کې یې ونډه درلوده چی د برنامې په پایته رسولو سره د کندهار د دوو ښو څیړونکو نوم کتلی دی.

فرشید لطيفي د حاجي عبدالطيف زوی دی. له لومړنیو زده کړو څخه تر دولسم ټولگي پوری یې په ننگرهار عالی لیسه کې سبق ویلی دی. او په ۱۳۹۵ ه.ش کال کې ترې په عالی درجه فارغ شوی دی. ښاغلی لطيفي اوسمهال په خراسان پوهنتون کې د انگلیسي ژبې د ادبیاتو پوهنځي زده کړيال دی. لطيفي یو زیارکنښ او هڅاند ځوان دی، دی سره له دې چې زده کړې کوي په بیلابیلو کورسونو او

انسٹیٹوتونو کی د انگلیسی ژبی استاد پاتی شوی او ہمدارنگہ بی د مایکروسافت
نبوونیز مرکز مدیریت ہم کپی دی. پہ ۲۰۱۸ کال کی د اندیشہ ورانو موسسی پہ
تحقیقی برنامه کی بی وندہ درلوده چی خپنی بی د نگرهار ولایت پہ کچه لومپی
مقام خپل کر.

شکیلا سهیل درولایت هرات چشم به جهان گشوده است. وی بعد از به پایان
رساندن دوره لیسه در سال 1394 موفق به راه یابی به دیپارتمنت روابط بین الملل
دانشگاه هرات شد. از موفقیت های ایشان می توان از کسب مقام اول در محکمه
تمثیلی حقوق رسانه ها که بین دانشگاه های دولتی و خصوصی برگزار شده بود
نام برد. اوعضویت افتخاری در مطالعات استراتیژیک شعبه هرات را از سال ۲۰۱۸
بدین سو کسب کرده است. شکیلا سهیل در سال ۲۰۱۸ شامل برنامه مناظره
موسسه اندیشه وران شد و لقب یکی از دو بهترین محقق را در ولایت هرات از
طرف این نهاد را از ان خود کرد. وی همچنان قهرمان مناظره دانشجویی مؤسسه
اندیشه وران شده و مقام بهترین سخنران را نیز کسب کرده است.